

«بەنم خالق آرامش»

نام کتاب: سفنهای ناب اندیشیده اخ و متفکران (بفسر دوم)

نام نویندۀ: رضا دوگر

تعداد صفحات: ٩٣ صفحه



کافیہ بوكل

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



[@caffeinebookly](#)



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دنبی را پول اداره میکند.

زود خوابیدن و زود برخاستن ، مرد را سلامت، ثروتمند و عاقل میکند. فرانکلین

درخت تجارت در باع آشتبی میوه میدهد.

غالباً از دنبی نعمتی میخواهیم که اگر بدمان رسید دشمن جانمان میشود. حجاری

دو ناجر همکار بندرت با یکدیگر موافقند.

در این زمان حصار عفتی نیست که اسلحه پول در آن رخنه نکند. برنارد شاو

پیمان و وفا

شکست پیمان ونقض عهد از شریعت و آئین مردی فرسنگها دوراست. بزرگمهر

بیمان شکن را با مردی و مردمی جکار؟

طبعیت در مقابل عهد وبیمان بشری بی اعتماد است. جورج نیکولا

سند پاره میشود، قول پاره نمیشود. مثل آلمانی

طوفی برگردن خود نبندار که نتوانی بازکنی مگر با زحمات زیاد.

آیا خودت با وفا هستی که انتظار وفا داری. مثل آفریقانی

علامت جوانمردی سه چیز است یکی وفای بخلاف، دوم ستایش بی جود، سوم عطاء و بخشش بی سنوال. معروف کرخی

حیوان به پایش بسته میشود انسان بقولش. مثل انگلیسی

قول مانند تیراست همین که پرتاب شد هیچ وقت بکمان برنمیگردد.

کسانیکه دیر قول میدهند خوش قولترین مردمان دنبی هستند. زان ژاک روسو

هیچ قانونی نمیتواند نیکی و صحت عمل و معروفیت مرا مثل عهد و میثاق خودم نگهدارد. توماس براس

وفداری به حال است که وفاداری به آینده ، را آماده میسازد. فیلون

وفای به عهد و نگاهداری بیمان هر آندازه که در مردمی فزونی باید آن جامعه شایسته برومندی گردد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

میان انسان و شرافت رشته باریکی وجود دارد و اسم آن قول است.
وای به عهد ونگاهداری بیمان هراندازه که در مردمی فروتنی یابد آن جامعه شایسته
برومندی گردد. مثل فرانسوی

قضاؤت

هر اشتباهی را علتی است. مثل افریقانی
هر درختی ریشه ای دارد و هر اختلافی علتی . مثل افریقانی
هرگز درباره هیچکس قضاؤت نکنید مگر آنکه خود را باید او بگذارد. مثل یونانی
هیچکس نمی تواند قاضی عادلی برای کردار خود باشد. مثل انگلیسی
شیخ کس نمی تواند از پنجره راه رفتن خودش را در بیاده رو بیند.
عیوب دیگران را باید با انگشت کنیف نشان داد . مثل ایتالیانی
قاضی رشوه گیر قیل از مرگ دیوانه می شود . مثل زبانی
باید حرف دو طرف راشتند. مثل آلمانی
بطاهر نباید قضاؤت کرد. مثل آلمانی
مشکلی که خوب تشریح و حللاجی شده باشد نصفش حل شده است. دبل کارنگی
مغلوب شدن بحق گوارانی از پیروزی به باطل می باشد . مونتسکیو
من به قضاؤت کسیکه پای منافع خود وی در میان است اعتماد ندارم . ولنکتون
محک طلا آتش است و محک انسانها طلا. مثل چینی
من از آنجه از دهانت خارج شود راجع به تو قضاوت خواهم کرد. مثل چینی
میمون هرگز میمون دیگری را مسخره نمی کند . مثل افریقانی
وحشی ترین اشخاص آسانتر از همه متهمین را محکوم می کنند.
هر مجرمی را بینگردید همه کس را ملامت می کند جر خودش را . دبل کارنگی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همه کس عیهای خود را با دوربین ونقض دیگران را با ذره بین نگاه می کند . امیل او زید هیچ کوچک را حقیر مشمارید باشد که از شما فرونی باید . افلا طون عوام ثروتمندان را محترم می شمارند خواص دانشمندان را . افلا طون قضاوت فوری در چیزهایی که جنبه های مختلف دارند دلیل رفاهیست و دیوانگی است .

مونتنین
فاضی که بیگناهی را محکوم سازد وجدان خود را محکوم ساخته است . مثل سوندی

کسیکه راجع بدیگران قضاوت می کند خوبشتن را محکوم کرده است . مثل اینالیانی
کسیرا که امروز تحقیر می کنی بعد نیست فردا لازم باشد از او تعریف کنی . مثل
برنگالی

گاهی انسان می بیند خودش عفریتی است ونمی دانسته .

کاو ممکن است سیاه باشد ولی شیریش سفید است . مثل روسی
مرد بزرگ بکظرفه قضاوت نمی کند . کنفوتسیوس

در کار ایده ال نمی توان جانب انصاف را نگاه داشت . لا مارتین

در قضاوت عجله نکن ودامن پاک باکان را با تصورات بی جای خود آلوه ندان .

دوچیز آسان است یکی شهردن معایب مغلوب ودیگر شهردن محاسن غالب . تن
رویاه نباید موقع محاکمه مرغ قاضی دادگاه باشد . مثل چینی
زمان درباره همه چیز قضاوت می کند . مثل یونانی

زنیکه مردها را مسخره می کند محکوم به اینست که تا آخر عمر دختر بماند . مثل
یونانی

شخصیت اشخاص را می توان بانفوذی که آنها بروی دوستان خود دارند سنجید .
اسکار والد

شک حالت مطبوعی نیست ولی ادعای یقین مسخره آمیز است . ولتر
صورت شما کتابی است که مردمان می توانند از آن چیزهای عجیب بخوانند .
شکسپیر



طبیعت انسانی است هر مجرمی را بینگردید همه کس را ملامت می کند جرخودش را.
دبل کارنگی

باید حرف هر دو طرف را شنید. مثل المانی

برای کسیکه غرق شده است دنیا هم غرق شده . مثل عبدی

بطاهر نباید قضاوت کرد . مثل المانی

تشخیص دادن عیوب خیلی بهتر از دیدن عیوب است. دبل کارنگی

جون همه علت ها را درک کنید همه جیز را می بخشد.

چندان خوب در میان بدن ما وجود ندارد در میان حیوان ما وجود دارد که همه ما را از آن باز می دارد که درباره دیگران سخن نگوئیم. رابرت

جهره وسیمای همه مردمان راست و درست است دستهایشان هرجه خواهد باشد.
شکسپیر

خون تمام افراد بشر یکنیک است ولی لیاقت آنها..... مثل المانی

دادگاه به ظواهر و مدارک موجود نگاه میکند وجه بسی اشخاصی که هزاران جنایت مرتکب می شوند و مدرکی باقی نمی گذارند.

اگر وجود خار در گل مایه اندوه ماست وجود گل در کنار خار باید مایه شادی مایاشد.
گونه

حالا شما به من بگوئید لطفا آخر با کدام ساز این مردم باید رقصید که خوششان باید . مجید سیزوار

اختلاف زن و شوهر نباید در بازار عرضه شود . مثل افریقانی

اختلاف نظر دوستان را بهتر است روز دیگری بررسی کرد. مثل افریقانی

اگر یک مقصیر تبرنه شود بهتر است تا یک بیگناه محکوم گردد. مثل فرانسوی

باید مواظب باشیم که حکم مستقیم و صریح ندهیم بلکه پند و دستور را بصورت بررسیش ادا نهاییم . دبل کارنگی

به من بگوئید چه اشخاصی را می پستنید تا بگریم تو خودت کیستی واژ هوش و ذوق
چه مایه ای داری . سن بیو

باریکه نمی کشی نمیدانی چقدر سنگین است. مثل افریقانی



به خودت سرزنش کن همچنان که دیگران را دوست می داری . مثل جینی
آدم خشمناک نمی تواند حقیقت را بگوید. مثل جینی
آدم باید کلاه خودش را بپیش خودش قاضی کند. مثل ایرانی
آن داوریکه با ظهار پکطرف گوش دهد به هیچ چیز صمیمه گوش نداده . مثل انگلیسی
آنچه یکی را می گریاند ممکنست دیگری را به خنده اندازد. مثل انگلیسی
احساس دل بالاتر از منطق است. زان زاک دوسو
از روی رنگ خاکستری مو نمی توان عمر قلب راشناخت. بودا
از خطاهای کوچک بپرهیز که قوه قضاوت و معرفت را ضعیف می سازد. کتاب هند
اعتراف به نادانی از چیزیکه نمی توانم هرا شرمگین نمی دارد. سیسروون

قناعت

آدم ولخرج امرور گدای فرداست.
آنکس که آنچه را نمی خواهد می خرد بزودی محصور خواهد شد لوازمش را بفروشد.
مثل یوگسلاوی
ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی وما را قناعت رسم ستوال از جهان
برخاستی . سعدی
اگر صرفه جوئی زراعت کنیم از ارادی درو خواهیم کرد و این محصول طلائی است. اکیلا
روس
اگر می خواهی بنده کسی نباشی بنده هیچ چیز نشو . زاک دوال
اگر چه در کنار جنگل زندگی می کنی قدر جوب را بدان مثل جینی
اگر از فرض می ترسی در خانه ات را باز نکن . مثل انگلیسی
انسان به چیزیکه از آن منع شده حرص است .
برای کسیکه هیچ ندارد قرض هم یک نوع دردیست. روسو



برای اینکه بشر بتواند در دنیا خوشبخت زندگی کند باید از فسمندی از توقعات خود
نکاهد . شامفور

بسیاری انسیا لوکس و حیره‌ایکه و سایل آسانیش خوانده شده نه تنها ضروری نیستند
بلکه موانع بزرگی فراراه ترقی و تعالی انسانند. تورو

برای قابع حتی فقر و گمنامی خوشی آور است برای ناراضی حتی ثروت و افتخار
مهنت است، مثل چینی

چنان شیرین مباش که تو را فرو برد و جنان نلخ مشو که از دهان به دور افکندند.
طیس

توانگری به قناعت است نه به بضاعت. سعدی

دیوانگی است که برای خریداری اشیاء بی مصرف و کالای تحملی انسان خود را
گرفتار قرض کند. فرانکلن

شعله اصراف نمی تواند پایدار بهاند آتش های تند زود خاموش می شود
باران آهسته دائمی است طوفان ناگهانی امتداد زمانی ندارد. شکسپیر

صرفه جویی فقیر متمول و متمول را عاقل گرداند. دوما

قانون تعادل و توازن یکی از مهمترین قوانین خلفت است. ایران شهر

قابع باش و میانه روی پیشه کن که اصل همه بندها این است. کیکاووس

قناعت کیمیایی است که هرچه را لمس کند طلا می شود. فرانکلن

کسیکه همیشه زیاد تر از لازم خرید می کند روزی مجبور می شود لازم را
بفروشد. فرانکلن

کلید ثروت قناعت در مصارف است نه دنائت در خرج.

من خود را محاج نمی دانیم زیرا طریقه قناعت را یاد گرفته ام .

کار - کاهله

آدمی را امتحان به کردار باید کرد نه به گفتارجه اکثر مردم رشت کردار و نیکو گفتارند
قیناغورت.

آنکه بعلم خود عمل نکنند مریضرا مانند که دوا دارد و بکار نبرد . ذیمقراطیس



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ان عمل خوبست که حداکثر خوشی را برای حداکثر افراد فراهم می نماید . هنگامی که عاری از فساد و نتیجی باک توأم باشد بهترین عمل است. نوعی سینما آنکه روز گارش به تبلی گذشت دچار عسرت و پریشانی گشت.

ابلهان را به کثیر کاروزحمت می توان تربیت کرد. بزرگمهر از جمله فوائد کار اینست که روزها را کوتاه و عمر را دراز می کند. دیدرو از امروز به بعد علم و عمل بر دنیا سیاست می کند .
اشغال بهر کاری بهتر از تبلی ویکاری است. اسمایلر اشخاصیکه هرگز وقت ندارند آنها هستند که کمتر کار می کنند . شوینهاور اگر بخواهی بگفته تو کار کنند به گفته خود کار کن.

اگر هر روز راه عوض کنی هرگز به مقصد نمیرسی . بالانش اگر کار را به قسمت های کوچک قسمت کنیم و حز بحر انعام دهیم هیچکار دشوار نیست، همانی فورد اگر مرد تاهفتاد سالگی هر روز خود را از کار ناتوان دید بهتر است همان روز بمیرد. ادیسن

اگر کمتر به غیر ممکن عقیده مند باشیم خیلی کارها خواهیم کرد . حال اشریفر اگر این همه وقت و فکر و حرف بیهوده را صرف کار مفیدی بکنیم البته بجانی خواهیم رسید. حجازی

انسان فرزند کار و زحمت خوبش است. داروین

انسان بر احساسات خود حاکم نیست ولی بر اعمال خوبش حکومت دارد. لوگوره

انسان در کار دیگران عاقل تر است تا در کار خوبش. لاوشفوگولد

اینکه ما گمان می کنیم بعضی جیرها محال است بیشتر برای آنست که برای خود عذری اورده باشیم. لاوشفوگو

ابر بر صدا باران ندارد . مثل ایرانی



اگر توانانی انجام کاری را در خود داری بدنیال ان برو و گرنه چرا ابروی خود را می ریزی.
مثل یوانانی

احمق در کار همه دخالت می کند بجز کار خود. مثل المانی

اگر از فردا مطلع باشی امروز کار نمی کنی . مثل چینی

اگر نمی توانی گاز بگیری دندان نشان مده. مثل ایرانی

ای تبل برو نزد مورجه و راه و روش او را بیاموز عاقل باش .

با شک و تردید کاری از بیش نمی رود. نایلنون

با استعمال فرسودن و تمام شدن بهتر از باقی ماندن وزلگار گرفتن است. مونتسکیو

باشدت کار کن و با شدت بیازی ببردار. روزولت

باید لب فرو بست و بازو گشود و کارنکرد ودم نزد و بقین نمود که کلید طلائی کامیابی
کاروکوشش است. بزرگمهر

بعیرهای کوچک خود را گرفتار کردن از کارهای بزرگ بار ماندن است. کنفوسیوس

برای آنجه هستم مدیون قدرت اراده و اخلاق ویشتکار و حراث خود می باشم. نایلنون

برای من زیباترین روز ها روزی است که از نتیجه کار خود دران روز خرستد باشم.

برای بهره مندی از اوقات فرصت و فراغت نیاز مند خستگی حاصله از کار هستیم. والتر
اسکات

بدون کار هر نوع زندگی فاسد می شود. کاموس

برای شب پیری در روز جرانی چراغی باید تهیه کرد. بلو تاری

بدیختنی آدم از جهل نیست از تبلی است . دیل کارنگی

برای بهره مندی از اوقات فرصت و فراغت نیازمند خستگی حاصله از کار هستیم . والتر
اسکات

برای اشخاصی که فقط در فکر کار هستند فرصت ظاهر باقی نمیماند . رور ولت

بسی گنج که از رنج فرار آید وار کاهله از دست برود. فابوس وشمگیر

بهترین بارو پشتیبان هر کس بازوان توانای اوست. کتاب کارورندگی



بی نظمی در کار بدتر از بی اطلاعی از آن است در کارهای زندگی باید بخود اعتماد داشت وسی . فرانکلین

بهترین ویتمانی که افراد تبلیغ احتیاج دارند عبارت است از کار، کتاب کار و زندگی بیچاره کسی که از ترس شکست دست به کار نمی زند.

بدرم بمن کار کردن را آموخت نه عشق و علاقه بکارها، لینکلن پیش از اقدام بکار توانانی خود را بستح و موجبات وسائل آنرا در نظر بگیر . سه رنگ بیروزی با کسانیکه پیش از دیگران پشتکار دارند . نابلتون تا مقداری از کار باقی است شخص باید خیال کند که هیچ نکرده است.

تا زنده ام لحظه ای ارام نخواهم گرفت راحتی کردن و مردن نزد من یکی است . نابلتون ترقی مولود فعالیت دائمی است زیرا استراحت چیزی بجز احاطه در بر ندارد . گوستاو لویون

تصور ما، دانانی ما، خیال ما، از نقطه نظر حصول نتیجه اهمیت ندارد تمام اهمیت در کارهای ماست، راسگین تمام کارهای شریف افتخار انگیزند.

جنون زندگانی رهبانی و گوشه کبریوانزوا حکم مرض آبله را دارد برای مفر . بیتر س تنبلی ادم را خیالبرست بار می آورد . پوسه نه

جواهر بدون تراش و مرد بدون زحمت کار ارزش بیدا نمی کند. مثل چینی چه بسا شخصیکه فقط به صدای طین کلینگ گورکن از خواب بیدار می شوند . نابلتون جوانها همه در انتخاب کار باید از اراد باشند چه اگر رضایت خاطری نباشد هیچ کار خوب انجام نمی گیرد.

ثاررات اولیه بر وجود ما حاکمند . مثل چینی چه سما فعالیت هانی که در اثر فقدان کمی فعالیت بیشتر از این رفته و تبدل به هیچ شده است . ای . هاریمن

چه بسا پک قدم با نجام مانده کار را بر هم می زنیم . او نه کینگ خوشی و شادی زودتر از کار و کوشش انسان را خسته می کند .



سگ بیکار گرفتار گری و خوره می شود. بورتن
ما همه از کارهای خسته می شویم که انعام نمی دهیم و گرنه انعام کار هرگز ما را
خسته نمی کند.

گاوآهندی که همیشه کار می کند بسیار براق است. مثل یونانی
کفش گشاد که پوشیدی حاضر بزمین خوردن باش. مثل چینی
کسیکه به پشتکار خود اعتماد دارد ارزش برای شانس قائل نیست. مثل زاینی
کسیکه در آغاز کار فکر و تأمل نکند در بایان کار آه خواهد کشید. مثل ایتالیانی
کسیکه در کارش نادرست است در همه جزء نادرست خواهد بود.
کسیکه در آفتاب رحمت کشیده حق دارد که در سایه استراحت کند. مثل آفریقانی
کارکردن خوب است اما زندگی کردن را فراموش مکن. مثل آفریقانی
کره زمین مال مردم با پشتکار است. مثل المانی
کوشش نخستین تحلی قدرت نخستین قانون خلقت و نخستین جرخ گردونه سعادت
است. ایرانشهر
کارکن اگرچه تنها باشی و جنان انگار که همیشه ده چشم از هر سو ترا نگاه می کند.
کنفوتسیوس
کاروکوشش ما را از سه عیب دور می دارد : افسردگی ، دردی و نیازمندی . ولتر
کار قانون زندگی است ، قانون کلیه اکتشافات و تمام بیشتر فنها .
کار خود را بخوبی بفهم و آنرا بجا آور و مانند یک قهرمان خود را با آن کار مشغول
کن. کار لایل
کار کن بیش از آنکه نیازمندی بکار و ادارت کند. فرانکلین
کردار بلندتر از گفتار حرف می زند. کارولین
هیچ یک از تمایلات نفس انسانی مضرتر و خطرناکتر از تمایل به تبلی نیست. اسمایلز
همیشه در هر جانی که هستی بکاری مشغول باش . هاری قرد
هر کار بزرگ در آغاز محال بنظر می رسد. کار لایل



هنگام شروع کار بانداره کافی غور و دقت کنید تا در میان کار تردیدی به شما دست ندهد . نوسلن

هر کاریکه تصمیم آنرا بگیرید تصمیش را انجام داده اید. لیکن

هرگز نمی نوان با آدمهای کوچک کارهای بزرگ انجام داد . سیدرون

هر کس داند در خور چه کار است و بآن شود حکمتی بزرگ باشد ، سفراط حکیم

هر کس بیشتر تحمل رنج و مشقت نماید بهتر می تواند کار کند . میلتوون

گفتار شمرین و کردار تلح خیلی هارا فرب داده است. مثل فرانسوی

محبوم کارکنم و گرنه اخلاق من فاسد خواهد شد . تولستوی

یک نفر نمی تواند در عین حال در دو قابق پارو بزند. مثل آفریقانی

یک وحب کار بیش از یک جرب و عده میارزد . مثل یونانی

یک روز بیکاری چون بکشی بخوابی خسته کننده است . بتی سن

یک کار نکو گاهی یک شخص و یک ده و یک شهر و گاهی یک هلت را رستگار می کند و ترقی می دهد. گوته

هنگامیکه برادران باهم کار کنند کوه مبدل به طلا می شود. مثل چینی

هر قدر بیشتر ماهی بخواهی باید به دریا بیشتر نزدیک شوی . مثل انگلیسی

همه خوبند اما نه برای همه کار . مثل اسپانیولی

هر چه نعداد کارکنان کمتر باشد نوع خدمت بهتر خواهد بود . مثل چینی

هر سفر هزار فرسنگی هم با یک گام اغاز می شود. مثل چینی

هیچ کس آنقدر ابله نیست که برای هیچ نوع کاری لیافت نداشته باشد. نایلتوون

در دنیا کسی نیست که وجودش برای کاری بدرد نخورد . نظام الملک

در شغلی که بتو محول نیست اندیشه و تدبیر مکن. کنفوتسیوس

داشتن یک حرفة به منزله تملک یک ده است. فرانکلین



در سال ۱۸۱۶ ناپلئون طی گفتگوی جتبن گفت کار عنصر ذاتی من است من برای کار بدبنا آمده ام و ساخته شدم من بمحدودیت قوه باهایم ومحدودیت قوه چشمانم بی برده ام ولی هرگز نتوانستم به محدودیت قوه کار کردن خود بی برم.

دنبی از آن کسانی است که حرارت و اندیزی دارند . ناپلئون

دو اهرم برای برانگیختن مردم بسعي وکوشش وجود دارد بکی نفع و دیگری ترس.
ناپلئون

دبور را فراموش کنیدامروز را کار کنید به فردا امیدوار باشید. کتاب و زندگی

رخخواب نرم خواب سنگین میاورد. مثل روسی

زندگی بدون کار مردن بیش از وقت است. گوته

گرانبهاترین مردم کسی است که گنجینه گرانبهای عمر را برایگان از دست ندهد و
وقت گرانها را تلف نکند. اسمایلز

زن

بزرگترین دشمن زن بیحوصلگی اوست. پل زانه

تمدن نتیجه نفوذ زنان پارساست. امرسون

جهره یک زن نماینده شوهر اوست و بیراهن یک مرد معرف زن او. مثل یوگسلاوی

تواضع زینت زن است. مثل هندی

حساسیت ، عشق ، تحمل و فدایکاری زندگی زن را تشکیل میدهد. بالراک

در دنیا تنها دوجیز زیاست، زن و گل. مالرب

خانم، زیبایی شما فقط چشم را لذت میبخشد
اما زیبایی اخلاق و فهم شما روح را نوازش میکند. ولتر

در آغاز هر کار مهم زن وجود دارد. لامارتن

خوشیخت ترین زن کسی است که مردرا بعذار ازدواج بهترین مرد جهان بکند. نیوتن

اگر زن نبود نوایع جهان را که بپوش میداد . ناپلئون



اشک در زن سبب تسکین آلام درونی میشود ولی در مردم مردانگی را تباہ میسازد.
نایبلنون

اگر تریست زن و مرد بکسان بود نیرو و فراست آنان نیز برابر میشد. متسکو

اگر میخواهی اندازه تمدن و پیشرفت ملی را بدانید، بزنان آن ملت بنگرد. نایبلنون

از خاندان منمول اسب بخر واژ خاندان فقیر زن بگیر. مثل استونی

بهر اندازه که زن آرام و مطیع و با عصمت و عفت است به
همان اندازه قدرت فرمانروانی او شدید تر و استوارتر است. میشله

ای زن اگر طلاق میخواهی بمادر شوهرت سلام مکن. مثل فرانسوی

تا وقتیکه زنان نیز در زمینه علم و دانش سخن خوبی
را نگفته اند نمیتوان از دانش واقعی حرف زد. میشله

نخستین کسیکه میتواند زن را فریب دهد خود اوست. لافوتن

در زنان هوش و در مردان قریحه و استعداد بیشتر است
آنچه را زن با چشم دفت و بررسی می بیند،
مرد با دیده تعقل و اندیشه مینگرد. روسو

شیرین ترین جیز در زندگی عشق زن باکدل بشوهرش بود. ولتر

در دنیا هیچ منظره ای جالتر از زنی که مشغول بختن غذا برای
مرد محظوظ خوبی است وجود ندارد. توماس ولف

زن عاقل باشوهر بی بول خوب میسارد. مثل روسی

بک زن کامل کسی است که بداند چگونه فرمانروانی کند. هوگو

هیچ فضیلتی نمیتواند در زن کمبود مهربانی او را جبران سازد. میس اوژه وارت

بک زن جیزی جز شوهر نمیخواهد ولی وقتی که به او رسید همه جیز
نمیخواهد. شکسپیر

زن کلید خانه است مواظب باش آنرا گم نکنی. مثل زائی

همسر خوب بهترین یاور در یک صحرای سنگلاخ و برمخاطره زندگی است. اسمایلز

زن و پرنده بدون آنکه به عقب برگردند میتوانند بینند. مثل فرانسوی

گرانبهاترین زیست برای زن که هیچ زنی از آن برخوردار نیست سکوت است. مثل یونانی



کسیکه زن خوب بدست آورد بزرگترین سرمایه را بدست آورده است. مثل جینی
زن شرک زندگی و پار ساعات درمانگی است. گوته

شیرین ترین سخنان در زندگی خوش امده‌گوئی بی غل و غیش زن بشوهر خوبش
است. جرج ولز

زن مخزن اسرار خلقت است. کارل کونزوکو
زن مانند شبشه طریف و شکستنی است هرگز توانانی مقاومت او را نیازمند زیرا
ممکن است شبشه ناگهان بشکند. سروانتس
زن در کلیه اعمال انسان سهیم است . ارتست ناویل

از چه بسا کارهای بزرگ و درخشانی را بما الهام میدهد که اگر او نبود از انجام آن
سریازمیزدیم. الکساندر دوما پدر

زن زیباترین و عزیزترین موجودات جهان است. کتفوسیوس
زن برای آن آفریده نشده که وجودی عاطل و باطل باشد و فقط بدرد زینت و تقریح مرد
بخورد. اسمایلز

زنانی که میخواهند مرد باشند زنانی هستند که نمیدانند زن هستند. الکساندر دوما
زن آئینه ایستکه چهره های گرفته را خندان و صورتهای بیش را حوان نشان میدهد.
هرود

زن عاقل خانه خودرا آباد میکند و زن نادان آن را برباد میهد. تریستان برنارد
زن فرشته ایست که بزندگانی انسان روح و بحیات بشری قیمت میدهد . محمد
مسعود

زن بهترین مریض و آموزگار انسانی است
زیرا تعلیم و تربیت های وی بیش از تمام مریبان
دیگر به جنبه محبت و انسانیت نزدیک میباشد. استیبل

زن همیشه سن خود را از تاریخ ازدواج حساب میکند نه تاریخ تولد. ارهارد
زن بلهوانی است که دلبرترین مردان را در سخت ترین اوقات خشم آرام میکند. هرود

زیبایی

انسان باید از هر حیث جه ظاهر وجه باطنی زیبا و آراسته باشد. چخوف
آن نعمت نصب ماست که قدرش را میدانیم و گرنه از صورت زیبارای کوچه حاصل؟
تن

جمال اگر چه مایه شرافت است ولی مقرن به هزاران شر و آفت است.
شوینهار
با اینکه میدانیم زیبایی و خوبی دشمن هم هستند چرا این آب و آتش را دریک وجود
طالیم؟ تن

جمال دامن است که طبیعت در راه عقل میگستراند. ارسمندیس
در مرد نیک روی اگر فضیلتی باشد ، فضیلت بیشتر از زیبایی او جلب توجه میکند.
دیرزیل

چشممان زیبای اشکبار از لبخند زیباتر است. کامب بل
زیبایی قضیه منطقی است که صغای آن چشم و کبرای آن قلب و نتیجه اش شوق و
شوراست. سقراط

در حقیقت زیبا آنست که بانسان برتری بخشد. بانواستا هل
زیبایی بدون عفت و فضیلت چون گلی خوشرنگ ولی بی عطر است. سقراط
دلدها زیبایی تنها میباشد، دلداده کمال باشد.

زیبایی به رجا که وارد میشود مهمان عزیزی است و پذیرانی خواهد شد . گوته
در جوانی همه چیز زیباست. مثل آفریقانی

زیبایی جنان پرشکوه و مقدس است که هرجا بوجود آید
هرقدر در طول قرون و اعصار دستهای ملل وحشی با نهادام
آن بکوشند بازار اثر آن پایرحا میمانند. آنانوں فرانس
در زیباترین هلو ممکنست کرم باشد. مثل آفریقانی
گلها را تقسیم میکردند، گل سرع نصب خارشد. مثل ترکی
زیبایی جاذب زیبایی است. هات



اگر مرا مخیّر کنند زیبایی یا حقیقت را انتخاب کنم، من بی درنگ زیبایی را انتخاب خواهم کرد زیرا اطمینان دارم که در زیبایی حقیقتی است و قدمی فراترگذارده و میگویم هیچ جزء‌دنی حقیقت ندارد مگر زیبایی آن. آناتول فرانس

زیبائی سکه طبیعت است که باید احتکار شود. میلیون

هیچ چیز زیباتر از یک قفل بسته نیست، البته تا زمانیکه کسی نداند چگونه آن را میتوان باز کرد. مترلینگ

زیبائی نایابدار است و فضیلت جاودائی. گونه

به نظر من، ماروزی خواهیم مرد که نخواهیم ونوانیم از زیبایی لذت ببریم و در صدد نباشیم آن را دوست بداریم. آندره زید

زیبائی ظلم کم دوامی است برای صاحبیش ولی ثروتی است برای سایرین. سقراط

زیبائی در چشم بیننده است. مثل انگلیسی

سخنوری

آنکه درون آرامی دارد همچنان پندار و گفتار و کردار آرام دارد. بودا

آنچه انسان از از جهوان تمیز میدهد، صفت دروغ و حس بیان است. آناتول فرانس

جه بسا ازرهای زیان که بالا از نتایج شمشیرند. دکتر خلیل تقی

آهنگ صدا هرجه ملایم و مطبوع باشد سخن مؤثرو دلنشیں ترخواهد بود . جان کایزل

حرف خوش در آهنین را بار میکند . مثل بوگسلاوی

استماع دقیق را بیاموزید طرف را تشویق کنید که از خود سخن بگوید. دل کارنگی

اگر انسان نتواند مانند توده و عامه فکر کند لااقل باید مثل توده و عامه حرف بزند. آناتول فرانس

آنکه درون آرامی دارد همچنان پندار و گفتار و کردار آرام دارد. بودا

فیناغورت هرگز قبل از فکر کردن حرف نزن و کاری انجام مده.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر خواهی که بر دلت جراحت نرسد که هیچ مرهم نبزیرد با هیچ نادان مناظره مکن.
وقت سخن گفتن مبارزه مکن و دراب تند و ترف شناوری نکن.

اندیشه کردن که چگویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم. سعدی
کسیکه نمی تواند حرف بزند نمی تواند ساكت بنشیند. مثل لاتین

جلوی زبان دیگری را نمیتوان گرفت ولی اگر خوب زندگی کنیم این خود مایه شکست
و تحفیر آنان میشود. کاتو

زبان بهترین و بدترین جزءهای دنیاست. ازوب
جه آسان حرف سرد میزنیم و میرتجانیم اما حرف مهریان چه خوشگل بزبان میآید.
حجاری

زبان بمراتب بیشتر از قلب انسان را گول میزند. دیسرانیل
حکمت درختی است که ریشه آن در قلب است و میوه آن در زبان. بطمبوس
دشمنیکه کلام شیرین بر لب دارد شمشیرش تیزتر است. مثل آلمانی
دهان که لق شد همه جای آدم لق میشود. مثل انگلیسی
مرد بی شهامت کسی است که در جانیکه باید اعتراف کند خاموش بنشیند. آبراهام
لینکلن

در خوردن حرف هیچکس سوء هاضمه نمیگیرد. جرجیل
گناه اصلی به گردن کسانی است که بجای بند نیکودادن کوشش میکنند سخنی
بگویند که شما را خوش آید. مونتزومیو

در نظر مردم سخن سنج قدر سخن بیش از گنج است. بزرگمهر
کلمه ای که خوب فهمیده شود ده ها بار بیش از بارانی از کلمات توحالی اثر دارد.
کسیکه هرچه بیند و بشنو و به او برخورد و متغیر نشود من اصلاً با او کاری نخواهم
داشت.

خوشا بحال کسانیکه چیزی ندارند بگویند، همین را هم نگویند. زان گهنو
حرف حق در شما مؤثر خواهد بودف حتی اگر آنرا قبول نداشته باشد. فرانکلین



سعادت

بزرگترین سعادت فرار از فلاکت است. الموت
از آن در شگفتمند که در سینه دلی دارند و می پندارند که آسایش و سعادت بشر حز
مهر و صفا راه دیگری دارد. هوگو
افسوس، بگانه ستوالیکه هیچکس نمیتواند پاسخی باآن بدهد اینست ، سعادت
چیست؟ برادلی

حسن شهرت و نام نیک بزرگترین سعادتهاست. شیللر
اول صحت ، دوم جمال، سوم مال ، چهارم رفیق اینها پله های نردبان سعادت است.
سامونید

را زسعادت در اینستکه کاری که بتو واگذار شده دوست بداري. الدوس هاکسلی
ای مردم جرا سعادت را در خارج میجوند ، سعادت درون خود شماست . بیونیوس
سعادت آنست که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند. کورنور
بایستی با روح خود آشنا شده و سعادت را در اعماق روح و قلب خود جستجو کنیم.
فیناگورث

سعادتمند کسی است به مصائب و مشکلات زندگی لبخند بزند.
شکسپیر

تریبت بگانه های بشر بسوی رستگاری است و تنها موحد سعادت است . بلوتارک
سعادت مثل هر فصلنی از دوچیزه وجود می آید، صرفه حوبی و کوشش. ولتر
 تمام افراد بشر طالب سعادتند ولی هیچکدام از آنها رموز سعادت و راه آنها را نیافته اند.
شاتوریان

سعادتمند کسی است که در هجوم و مقابله مصائب خود را نیارد. پاسکال
جه سعادت بباید و چه نیاید، آدمی باید سعی کند خود را از سعادت بی نیاز گردد.
نرژ الیوت

سعادت بسته به کاروچسارت است. بالزاک
خوشیختی خانوادگی طولانی ترین و محکمترین و شیرین ترین سعادتهاست . ولتر

سعادت انسان در کار و فکر و سعی در حفظ شرافت و تقوی است. سیسرون
دست طبیعت در هر دل باک این احساس شریف را گذاشته است که او به تنهایی
نمیتواند خوشبخت شود و او باید سعادت خود را در خوشبختی دیگران بخوبد. گوته

سعادت همیشه دوستان شومی همراه دارد. جان اشتینک
دینا اطاق انتظار سعادت است همه در این اطاق جمع می‌شوند ولی بکمتر کسی
اجازه ملاقات داده نمی‌شود. نظام وفا

سعادت دیگران قسمت مهمی از خوشبختی ما می‌باشد. کلیر
سعادت در فراغت خاطر بی قیدی و خوشگذرانی و کناره گیری از اجتماعات و هیاهوست.
ابنکور

سعادت جامعه بمراتب مهمتر از سعادت فرد می‌باشد. افلاطون
سعادتمند مردی است که از هر خط و خطانی که ازاو سربزند تجربه ای جدید بدست
آورد. سقراط

طالم از سعادت حقیقی دور و به شقاوت ابدی نزدیک است.
سعادتمند و عاقل کسی است که صبح هنگامیکه از خواب بر می‌خیزد بخود بگوید هن
امروز سعی خواهم کرد بهتر از دیروز باشم. قنلوں
سعادت درسلامت نفس و بی آزاری است و محل آن نیز در افکار و گفتار و رفتار
خودمان است.

گل بی آب شکوفان نمی‌شود و سعادت بدون محبت بوجود نمی‌آید. ماکسیم
کورگی
هر کس در طلب خیر و سعادت دیگران باشد، بالاخره سعادت خودش را هم بدست
خواهد آورد. افلاطون

من دیده ام که درجه سعادت اشخاص مربوط باراده و میل خود آنهاست. لینکلن
هنگام نیک بختی است که باید بینناک بود، هیچ چیز تهدید آمیز تراز سعادت نیست.
منزلینگ

کتاب _ مطالعه

آنچه را میتوان بعد از بیست سال تجربه آموخت مطالعه صحیح در یکسال بما میاموزد.

آدم تنها در بهشت هم باشد با خوش نمی گذرد اما کسیکه بکتاب یا تحقیق علاقمند است هنکامیکه بطالعه یا بتفکر درباره محتوای آن کتاب مشغول است جهنم تنهایی برای او بهترین بهشت هاست. متلبینگ

اسکندر کتابهای کتابخانه ایران را تمام غارت و همه را به یونان برد.

اگر کسی طالب مجھوں نیاشد از مطالعه هر کتابی بر معلومات خود خواهد افزود.
بالآخره هر مفری دارای افکاریست که مخصوص خود است.

اگر یکی از مشتاقان کتاب هستید بزرگترین خوشبختی جهان را دارا هستید. زول کارادتی

اگر در کشور ما هر خانواده ای می توانست کتابخانه ای از کتابهای نفس داشته باشد بطور قطع زندگی اجتماعی ما متقلب میگردید هدفها و آرزوهای ما به پایه غیر قابل تصوری میرسید. دکتر هاردون

اگر مادر نیاشد جسم انسان ساخته نمی شود و اگر کتاب نیاشد روح بشر بپرس نمی یابد. پلوتارک

انسان در کتاب از چیزهایی باخبر میشود که دیدن خود آنها امکان پذیر نیست زیرا عین آنها فرهنگها و یا قرنها و سالها فاصله دارد. آناتول فرانس

اگر کسی بخواهد از حال و گذشته باخبر باشد باید بینج قفسه کتاب بخواند. مثل چینی

اگر کتاب دارید خوب خواهد بود ولی خوشنتر خواهد بود زمانیکه دیگر احتیاجی به کتاب ندارید. مثل چینی

باید زیاد مطالعه کنیم تا بدانیم که هیچ نمیدانیم. مونتسکیو

باید درهای علم بروی همه باز باشد، هر جا مزرعه هست هر جا آدم هست آنجا کتاب هم باید باشد. ویکتور هوگو

بحای انکه چندین کتاب بخوانی کتابهای خوب را چندین بار بخوان.

برای پیدا کردن راهی از آشنازیهای برآشوب و رنگارنگ ایده ها، احساسات و حوادث کتاب خدمت دوستانه ای بشما ارزانی میدارد. ماکسیم گورکی

بدون حکومت میتوان زندگی کرد ولی بدون کتاب و مطبوعات نمی شود. ابراهم لینکن



برای شناخت اخلاق و روحیات یک ملت و سنجیدن ذوق و پایه تفکر آن باید کلیه کتب و رسائلی که در میان آن ملت بیشتر رواج و انتشار دارد مورد توجه و مطالعه قرار دارد.
اسهایلر.

برخی کتب را باید جشنید بعضی دیگر را باید بلعید و قلیلی را هم باید جوید و هضم کرد. فرانسیس بایگون

چون زندگی کوتاه است و اوقات فراغت محدود نباید وقت خود را در خواندن کتابهای بی ارزش و مبتذل تلف کرد. جان راسکن

پرورش روحی بشر به کتاب مربوط میشود. بلوناری

خواندن هر کتاب با مطالعه هر مطلبی که بدست آید باقصد اینکه در سریعترین وقت از مطالعه آن فارغ شویم برای عقل و اخلاق یک کار زیان آور است. دکتر مارون خواندن و عمل نکردن مثل شخم زدن و تخم نهادن است.

خوانندگان بر دو نوعی گروهی میخوانند که فراگیرند و گروه دیگر میخوانند که فراموش کنند.

در دنیا لذتی که با لذت مطالعه برابری کند نیست. تولستوی خواننده خیلی بندرت همان کار را میکند که نویسنده از نوشته خود کرده است. ترستان برنارد

در این دنیا یگانه چیزی که میتواند ما را از فراموشی نجات دهد کتاب است. نویک در بدینختی و تنهایی جانکاه هر همزیانی ممکن است دروغ بگوید و فریب بدهد و درد بر درد بیفزاید، تنها کتاب است که آزار و فشار درد را میکاهد. سعید تقیی

ستون تمدن قرن بیستم کتاب و مطبوعات است. روزورت

سیاست در زندگی اجتماعی و اخلاق ملت ها کمی تاثیر دارد ولی یک کتاب ممکن است در این امر تاثیر فوق العاده ای داشته باشد. کلاسیتون طبیعت یگانه کتابی است که کلیه صفحاتش بر معنی است. گونه

فقر و برسانی ما بحاجی رسیده بود که از اسیاب و اثاثه منزل یک بشقاب و قاشق هم نداشتیم، ولی خوشبختی ما در این بود که بدرمان در موقع مردن دو کتاب برای ما بسیرات گذاشته بکنی کتاب "راه رسیدن مرد صالح به آسمان و دیگری کتاب "برهیزکاری و تقوی. یونیان



کتاب در اعماق قلب ما جای میگیرد، ما از هوا روابیخشن کتاب تنفس واقعی و کسب حیات معنوی میکنیم و هر چه از ادوار توحش و جاھلیت تا عصر کنونی بدهست آورده ایم همه از دولت افکار نویسندگان و تالیفات آنها بوده است.

قرانت کتابهای خوب مکالمه با مردمان شرافتمند گذشته است. دکارت

کتاب از لوازم و ضروریات اولیه زندگی است و لباس حزو نحمل و زینت آن. اداسموس

کتاب معلمی است که بدون عصا و نازیانه ما را تربیت میکند. دانشمند انگلیسی

کتابهای بد سموم فکری هستند و موجبات تباھی دماغ را فراهم میکنند. شوینهارد

کتاب بزرگ کتابی است که خواننده را بزرگتر از آنچه هست بنماید. ادوار او را و

کتاب موتس و غمگسار اوفات اندوه و خستگی است که حزن و اندوه را به سرور و شادمانی تبدیل میکند، رنج و غم را از آئینه خاطره میزداید و گنجینه ذهن را بر از گوهرهای گرانیها میکند. اسمایلر

کتاب خوب در حکم رفیق خوب است. روشن پیر

کتاب یوستان مزینی است که چون گلهای از سینه بزرگان میروید، از مردگان سخن می‌گوید و ترجمان کلام زندگان است. جاھظ

کتاب بعد از فکر بهترین دوست زندگانی است اگر بدیاشد، هیچ نمی‌ارزد و اگر خوب باشد ارزنده ترین چیزهای است. استاھل

کتاب عالمی جاودانی و پاکمراه و روحانی است که اوفات فراغت ما در آنچا بسعادت حقيقة نائل میگردد. رزورت

کتابها بودن که به من کمک کردند تا از این باطلاق گدیده بیرون آمدم و گرنہ هلاک میشدم. ماکسیم گورکی

کتاب همنشینی ایت که هرگز تو را به خشم نمی‌آورد و دوستی است که تو را هیجگاه ملول نمی‌کند و پند آموزی است که ترا بلغرش دچار نمیکند.

کسانیکه با اخلاق خوب و عالی دمسازند هرگز تنها و بی مونس نیستند. فیلیپ سیدنی

لذت مطالعه بگانه لذتی است که خالص و بی غل و غش است موقعی که سایر لذات از بین می‌رود این لذت همچنان باقی می‌ماند. آنونی ترولوب

مطالعه همان اثر را در دماغ می‌گذارد که ورزش در بدن



در جوانی گرسنگی و بیجargی کشیدم اینها همه رنج داشت ولی مطالعه مستمر
کتاب ناراحتی‌ها را بطور بی سایقه ای تخفیف داد.

ما نه تنها باید کتابهای خوب را دوست بداریم بلکه باید سعی کنیم که وجود ما خود
به منزله کتاب خوبی باشد که دیگران از ما سرمشق می‌گیرند. فنلون

مطالعه کتابهای خوب تفکر درامر حیات و مصاحبت با دوستان اهل دل برای سعادتمد
شدن کافی است. دوسکین

مردمان فقیر و مسکین میتوانند بدون هیچ دغدغه و تنشی و بیشی بمصاحبت افکاری بزرگ نائل
گردند. اسمایلز

من هیچ غمی نداشتم که خواندن یک صفحه کتاب آنراز بین نبرد. مونتسکیو

مطالعه بگانه راهی است برای آشنایی و گفتگو با بزرگان روزگار که قرنهای بیش
از این دردناک بسربرده واکنون درزیرخاک منزل دارند. دکارت

مطالعه وسیله ایمنی از بدی خلائق است و انسان را در قرون گذشته سیر داده و با فکار
بزرگان آشنا می‌سازد.
دکارت

من در بالین مرگ مادرم حضور داشتم من نامزد خود را از دست دادم من شاهد مرگ
فرزند خوبیش شدم در جوانی گرسنگی و بینایی کشیدم اینها همه رنج داشت ولی
مطالعه مستمر کتاب ناراحتی‌ها بایم را به طور بی سایقه ای تخفیف داد.

میل علاقه طبیعی من بمطالعه کتاب کشته زندگانی مادر اوایل عمر از عرق شدن
در گریاب جهالت و فساد اخلاق رهایی داد در صورتیکه هر کس متن من در اوان
طفولیت از نعمت مراقبت و غم‌خواری والدین محروم باشد بینرت میتواند از این گریاب
هایل خلاصی باید. تماس هود

تجویه افکار و اندیشه‌های انسان بطوری است که ممکن است فقط خواندن یک کتاب
باشه اندیشه‌ها و افکار انسان را برمی‌ناید جدید فراردهد وجه بساممکن است تا مسیر
سرنوشت میلیونها انسان را در راه مخصوص بیندازد. اینشتن

وقتی احساس میکنید دیگر هیچ دوستی برایتان باقی نمانده به فسسه کتابهایتان
مراجعه کنید.

وقتی که دفعه اول یک کتاب خوب میخونم مانند آنست که بایک دوست جدید آشنا
شده ام، وقتی که همان کتاب را دو مرتبه میخوانم مانند آنست که با دوست قدیمی
مجددآ ملاقات کرده ام. الیور کولد اسمیت

هر کتاب آشکده گیتی را روشن میسازد. امرسن

هرگز به کسی کتاب ندهیا حتی اگر به آنها اطمینان داشته باشد در کتابخانه من فقط کتابهای وجود دارد که از دیگران بامانت گرفته ام.

هر نوشه ای به یکار خواندن میازد. حافظ
همه وقت کتاب موجود انقلابات عظیم عالم بوده است.

همانطور که اخلاق و سیرت اشخاص را بوسیله دوست و معاشرینشان میتوان ساخت همانطورهای از روی کتابهایی که میخواند میتوان بعادات روحی و ساختمان اخلاق آنها بی برد. اسمایلز

هنگام مطالعه طرف صحت فقط دانشمندان هستند ولی در خارج اجتناب از احتمان محال است. اسمایلز

یک محصل باید کتابهای خوب بخواند اما یک نویسنده باید کتابهای مهم را هم مطالعه کند من مزخرفترین کتبها را میخوانم و بالبینکه حواهر فرمی اغلب در خزانه هاست گاهی در ویرانه ها گنجهایی پیدا میشود که آدم را خیلی متمول میکند. آدم باید از هر سوراخ سینه ای خبرداشته باشد. برنارد شاو

مطالعه کتاب یعنی تبدیل ساعتها ملامت بار به ساعات لذتیخش. مونتسکیو

کودک

آنکه اشکهای کودک را نخشکاند خود خواهد گردیست. مثل آفریقانی
آدمی باید درینچ خصلت باکودکان شرکت داشته باشد یکی آنکه همچون کودکان غم روزی نخورند. دیگر جون بیمار شوند از عذاب نناندو گله نکنند و آنکه هر طعامی داشته باشند با یکدیگر خورند و چون با یکدیگر نیز اکنند در دل نگاه ندارند و زود آشی کنند و از اندک چیزی بترسند و با رفت باشند و بالندک چیزی راضی و خشنود گردند.
برزگمهر

اطفال بالطبع مایلند مانند والدین خود باشند و هر کاری را که آنها کنند انجام دهند.
ویلیام کوئت

اگر میخواهید بدانید دختر شما پس از ازدواج باشما چگونه رفتاری خواهد کرد، کافی است به صحبت او و برادر کوچکش گوش کنید. سام لونسوون
اگر به بجه کمی محبت نشان بدھید، وی صد چندان بشما مهر خواهد وزید. جان روسکن

با کودکان باید نرمی و درستی را باهم بکار ببریم، نه اینکه همیشه مانع آن شویم که ازراهی که میخواهند بروند، اگر ایجاد دردرس برای خود در ملامت کردن آنان چشم ببشویم درآن هنگام که بزرگ شوند مایه دردرس ماخواهند شد ولی بهر قیمت هست به رحمت میتوانید دوواره آنها را بجذب آورید. برجون

امروزه سرگرم کردن بک بجه بیشتر از آنجه که برای تربیت و بزرگ شدن پدرش خرج شده است تمام میشود. هریرت بروشانو

بهترین دوره زندگانی ما دوره طفولیت است وهمین که ازان گذشتیم وارد بدترین مراحل حیات میشویم. هوک

خطاهای کودکان به گردن والدین است. مثل آفریقانی

بدران و مادران دوره اول زندگی بجه هایشان را صرف آموختن، راه رفتن و صحبت کردن آنها میکنند و یقیه دوران کودکی کارشان این است که آنها را بنشانند و ساکتشان کنند. رایرت تائز

در هر بجه بک معماری حیرت بخش نهان است. شوبان

فرزند به مثال انگشت ششم است. اگر ببرندش رنج دارد و اگر نگاهش دارند زشت نماید. نوذر شهریار

قبل از آنکه کودک را کنک بزنید یقین بپدا کرده باشید که خود سبب خطای او نموده اید. اوستین اومالی

کاش حیوان وبا کودک بودم که آینده را نمیدیدم و گذشته رایاد نمیکردم. فقط به حال توجه داشتم و خوش بودم، لا بروبر

کودکان یاد گذشته را نمیکنند و به فکر آینده هم نیستند دم را غنیمت شمرده و آنرا بخوبی طی میکنند، در بین سالمندان بسیار محدودند افرادی که اینجنبین رفتار میکنند. لا بروبر

کودکان عموماً بیکاری را دوست ندارند بنابراین تمام توجه شما باید معطوف به این باشد که این حوصله مشغله دوستی ایشان در جیزی صرف شود که بسود ایشان باشد. لای

کودکان به نمونه و سرمشق بیش از انتقاد نیازمندند. زویر

- نفرینی که از قلب خاموش کودکی بر میخیزد کارگرتر از خشم نیرومندترین مردانست. ا- ب. براونیگ

کودک بی بدرجون خیمه بی سقف است. مثل آفریقانی

نمیتوانید بکودکی بیاموزید که از خود مواظبیت کند مگر آنکه آنرا آزاد بگذارید تا برای مواظبیت از خود بکوشد ممکن است اشتباه بکند ولی دانانی وی از میان همین اشتباهات بیرون می‌آید. و بجز

محبت

آنکس که حق احترام و محبت خدمتگزاران را بینگیراند . انسان آزاده واقعی نیست.
اندریوکارنگی

آن احساس سرشار آمیخته به تیسم که از دل لب ما در جستن کرده و پرسخسار فرزند نقش می بندد نامش عاطفه است.

ارزانترین همه چیزها مهربانی است که بکاربردن آن مستلزم کفترین ناراحتی و فداکاری است. اسمایلز

آنکس که بدیگری خدمت میکند اگر نخواهد خود را پست و خسیس نشان دهد. باید بکاره آن را از باد ببرد. محبتی را که در حق کسی شده بباد او آوردن و درباره آن سخن گفتن با سرزنش کردن چندان تفاوتی ندارد. و موسنن

از دل برود هر آنکه از دیده برفت.

اگر باربدیگر بر زندگی باز میگشتم بهمه مهربانی می نمودم و در حق همه کسان نیکی میکرم . ولی چون راهی به جنان زندگی نیست بهتر آن است که هم اکنون چنین کنم و از نیکی و مهربانی غفلت نورزم و آنها را پشت گوش تیندازم . بن

اشک چشمی را خشکاندن ، بیش از آن مایه شهرت و افتخار است که دریای خون برآه انداختن . بایرون

اگر بخواهد حال خردمندی که بدون محبت و عشق زندگی میکند بیان نمایم باید بگویم چشممان شفاف و روشنی را که در ظلمت بگشایند ، هیچ فایده ای از بینانی نخواهد برد. مترلینگ

اگر بر آب روح خسی باشی و اگر بر هوایی پرنده ای باشی دل بدست آرتاکسی باشی. خواجه عبدالله انصاری

اگر شما مهربان و رئوف نباشید و طایف خود را در دنیا بطور کامل انجام نداده اید. شاری بوکستون

باید عنان ترحم خود را کاملا در دست داشته باشیم و الا ترحمیکه عنانش را دست شخص خارج شود بیشتر از بیرحمی زیان میرساند؟



برای روح بزرگ همه چیز بزرگ و محترم است و برای روح کوچک همه چیز کوچک و بی
اهمیت است حتی دوستی و محبتی . باسکال

با نمایاندن دلسوی و علاقمندی بدیگران خود را از یاد ببریم . دل کارنگی

برای دوست خود یکدفعه تمام محبت خود را ظاهر مکن زیرا هر وقت اندک تغییری
مشاهده کرد ترا دشمن میدارد. سقراط

با محبت مینتوان دنیا را تسخیر کرد.

بودا در آخرین لحظات زندگیش بیانات خود را در دو کلمه ذیل خلاصه کرد. محبت ،
دلسوی . بودا

بیهوده از دیگران انتظار محبت نداشته باشد این محبت را شما باید در دل دیگران ایجاد
کنید . حجازی

جز با عشق و محبت طالب ازدواج مباش ولی خواهان کسی شوکه مسحوق ابراز
علاقة و یگانگی باشد. رابول

درینما که زیان و دل همینشه با هم نیستند. گاهی دل از بی پروانی و تندروی زیان خونا
به میز بزد و گاهی که اول از مهر و محبت میگوشند، زیان، همچو سنگ بسته از جا
نمی چند.

تمام تعقلات و اندیشه های مرد بیک محبت زن نمیارزد. ولتر
حس شفقت و مهربانی هاند کلید زرین است که درجه دلها را بر وی انسان
میگشاید . اسمایبلر

دانه خدمت نیکو بیفشنان ، یادگارهای شیرین از آن بیرون خواهد آمد. مادام روستا هل
دینای ما جون کوهساریست که هر کس در آن بانگ زند انکاس صوت خویش را
میشنود، کسیکه روحش از مهرو محبت سرشار باشد از دیگران جز محبت و وقا نمی
بیند. لرد آسپوری

در هیچ جا و هیچ موقع دشمن نمیتواند به محبت غلبه کند. سیدنی
دیگران را مشمول عواطف و همدردی و غمگساری خویش کنید. دل کارنگی
درجهان یگانه مایه نیک بختی انسان محبت است. افلاطون
در مکانیک محبت فرمانرواست ، ظلم و جور محاکوم بروال است.



دنا را محبت نجات میدهد . این مرض بزرگ بشریت را محبت میتواند مداوا کند. کمال الملک

در عالم جزئی بالاتر از محبت نمی بینم، بنفوون

راه درست و نجیبانه کشتن دشمن نیست . با مهریانی میتوانید چنان او را عوض کنید که دیگر نتواند دشمن باشد و در این صورت او کشته شده است. آلین

دل بدل راه دارد. مثل ایرانی

رحم و رنوف باش ولی وقت کن که مهریانی و عطوفت تو مستحقین عقوب سختی شامل ننشود تا موجب فساد نگردد. ارسسطو

دلت را همچنان تمیزکن که طرافت را . مثل جینی

زمانی هست که سه کلمه با محبت و فروتنی او شود. بداش بسیار بهتر از سه هزار جلد کتاب دریافت میکند که با تندی و تلخی و بی اعتنایی حکمت و فرزانگی نوشته شده باشد، روش نوشتن نماید قلب ما را از حقیقت اگر حقیقتی وجود داشته باشد دور کند. ۵. هرگز

بانوی مهریان شوهرش را برای همیشه تصاحب میکند. بودیس پاسترونات

شش وسیله جلب محبت مردم ۱- صمیمانه نسبت بغير علاقمند باشید ۲- تبسیمی برلپ داشته باشید ۳- بیاد بیاورید که نام هر کس برای او شیرینترین و مهمترین لغت فاموسه است ۴- گوش دادن بیاموزید طرف خود را بسوق آورید که از خود سخن بگوید ۵- با مخاطب از آنجه دست دارد صحبت کنید ۶- صمیمانه و صادقانه اهمیت او را برای خودشت محسوس سازید. دلیل کارنگی

زنده‌گانی اگر با عاطفه سروکار نداشته باشد گوارا و ارزنده نخواهد بود.

سگها بر حمایت لطف و احسان زیاد را تحمل میکنند و انسان خیلی کمتر از آنها شوینه‌اور.

سعادت و شادکامی ما میزان محبت ماست.

شادی حقیقی نصب کسانی است که قلیقی مالامال از محبت دارند.

شعله درخشان و کوتاه چشم بیکان محبت را تیز میکنند. زندارک

قوام همه موجودات بسبب محبت است و هیچ موجودی از محبت خالی نتواند بود
چنانکه از وجودی و وحدتی خالی نتوان بود. خواجه نصیر طوسی

شهنشیر علیه محبت و مهریانی وجود ندارد. مثل زاینی



کتاب محبت را بدقت مطالعه کردم صفحات مسرت بخش آن را مختصر یافتم و تمام اوراق را با رنچ و آندوه مالامال دیدم . گونه

کلمات مهر آمیز نقش خود را در جان آدمی میسارد و جه نقش زیبایی است. بیشترینده آرامش و اسایش و نیرو میبخشد و او را از احساسات تلخ و تند و خالی ، شرمدار میکند ما همیز بان آغاز نکرده ایم که کلمات محبت آمیز را به آن فراوانی که شایسته انهاست بکاربریم، پاسکال

فلک باتایش خورشید پاداش مهربانی را میدهد، بایرون

کوششی که برای خوشبخت و شادمان کردن دیگران بکار میبریم مایه برتری مقام خود ما میشود. ل . م . چایلد

قابل محبت حتی بر کوه صعود میکند.

فلی که مهر میورزد همیشه حوان است.

کلیه یکه همه دشواریها را در زندگی خواهد گشود محبت است. مثل ایرانی

گاه از یک تیسم همچو از لیخند آفتاب، دنیانی روشن میشود. حجازی

محبت در حقیقت بسان قطره زاله رخشان است که در کاسه یک گل خندان فرارداد و مفریش در اعماق روانهای پاک و دلهای تابناک است، لامنه

گاهی لقمه نانی با ضیافتی برابری میکند. ف . توینگی

محبت پزمردگان را شاداب ، ناتوانات را توانا، گمراهان را هدایت ، مأیوسان را امیدوار و خسته دلان را جان می بخشد.

گوهری بی مالش صیقل نم بذیرد و آدمی بی محبت . مثل چینی

محبت واقعی شبیه گیاهیست که آهسته رشد و نمو میکند و مادام که در برابر مشکلات و مشقات پایداری نکند لایق اینکه آن را محبت واقعی بخوانند. نحواه بود. واشینگتون

محبت فرمانروای فاتحی است که حاکم بر وجود مردم صاحب کمال است. رحمت صیر

محبت در ازدواج از احترام ایجاد میگردد. فنلوون

محبت مغشوش رود انحلال بذیر و جنانکه درم و دینار مغشوش زود تباہ شود. خواجه نصیر طوسی

محبت یک احساس سور انگلیز است، درست مانند مارش نظامی . فرانسو ساگان



محبت را به هیچ تشبیه نتوان کرد، زیرا که هیچ جمیز رفیق تر و لطیف تر از محبت نیست . سمونون محب

محبت را فراموش بکنند و آنرا ناجیر مشمارید. افلاطون

محبت گوهر گرانبهانی که در بعضی از قلیها خاکنیسر روی آنرا گرفته است این پوشش نازک و مختصر را باتبسم و خندیدن بزداید تا گوهر گرانبهانی که پنهان شده است. آشکار شود و با درخشش خود روح و قلب همکان را روشن سازد. مت لینگ

مردم در فلمرو و احساسات خیلی زودتر با یکدیگر اشنا و صمیمی میشوند تا در منطقه نفوذ عقل و منطق .
گوستارلریون

مردیکه برای وصول بتوفيق و رستگاری بشر، دشوارترین رنجهای را برخود هموار میسازد و نیکوکاری و محبت را بگاهه داروی دردهای بشری میداند مقامی والا و ارزش عالی دارد.

مهریانی رشته زریبی است که افراد اجتماع با آن یکدیگر بپوسته میشوند. گوته

مسیح و سقراط بر مبنای زمینه های کاملا مخالفی، یک چیز را گفته ان عقل محبت است، محبت عقل است . مطلب اساسی که این دو جمله براههای مختلف القا میکنند ... همان صفتی است که همه تمدن بشری بر ان بنا شده است.الکساندر ماکجان

مهریانی زیانی است لال میتواند با ان سخن گوید و کر میتواند ان را بشنو و بفهمد.
بوری

من از ساختمان قلب خود در شگفتمن که چون سنگ با مقاومت و گاهی جون شبینه بیطاقت است ، طوفانهای حوات مرانکان نمیدهد ولی از یک نسیم ملایم محبت برخود میلرزم . نظام دفا کاشانی

مهریانی ، همجون عسلی است که نیش نامهریانی را در دیگری کند میکند. لاندور
مهره دوستی پایه مستی و ریشه امید و بنیان زندگانی است و اگر از بهنه کایبات برتو محبت برتو محبت فروع افکن نگشته بود، جهان و چگونگی ان نایسنده وی رونق مینمود.

محبت را از ماهی باید آموخت که آیش بیرون آری بمیرد. مثل ایرانی
نیار به محبت دیگران از سخت ترین غرائز ماست، خوشبختانه خرینه دلها همه از این گوهر انبیانی است. حجاری

مهریانی مانند نذر گیوه کاشتن است و بعد افزایش می باید . مثل آفریقانی



وقتی کسانی که اطراف من هستند دارند از بی غذانی میمیرند کاری که برای من
مجاز است اینست که بگر سنگان غذا بدhem . گاندی

وقتی شما نسبت به دیگران مهربان هسید ، یعنی بخودتان مهربانترید. فرانکلین

وقتی قلب را هدیه میکنی مواضع باش. مثل آفریقانی

هر چه کمتر سفره بدختیهای خودمان را پیش روی دیگران بگشائیم و همدردی آنان را
بخود جلب کرده ایم . دیوی

هیچ چیز مانند احسان انسان را سیر نمیکند. ارسسطو

همانطور که بقای موجودات بسته به حرارت آفتاب است حیات انسان نیز نیازمند
روشنایی عشق و محبت است . و دوده

هیچ بلای آسمانی بدتر از محبتی نیست که به تیغ و کینه تبدیل شده باشد.
کومگریو

یک قلب مهربان ، چشممه ای از شادی است که هر چیز را در اطراف خودرا لبخند تر
و تاره میکند.
واشنگتون لبرونیک

یک هدیه با ارزش بدون خرج که هرگز فراموش نمی شود، مهربانی و محبت است.
لاورنس

بگانه سلاح که میتواند صلح و صفا را در میان ایناء بشر تضمین کند محبت است.

یک کلمه محبت آمیز تمام فصل زمستان انسان را گرم کند. مثل زایدی

شادی

آنهايي که غم کمتری دارند، با خود نمایي بیشتری می گریند. تاسمييت
آنکه برای خوش بودن بدبنايا اسیاب و وسائل می گردد هنوز معنی خوشی را
نمیداند. از بی رحمهای طبیعت یکی این است که وسائل خوشی را در خارج از وجود
ما جلوه گرمیسازد درصورتیکه پس از یک حسرت و سرگردانی میفهمیم که این وسائل
در خود ما خلق شده اند. حجازی

ارلحظات زندگی لذت ببریم و از ساعتها استفاده کنیم بدون آنکه در انتظار لحظات
و ساعات بهترینکوئر باشیم. فرانسو اکوبه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اشخاصیکه بدینخانه بلذات شدید و حاد خوگرفته اند، دیگر از لذات معتدل حظ نمی برند و همواره با اضطراب دنیا شادی و نشاط می گردند. فلنون

با یک لبخند هر دری بسوی انسان گشوده خواهد شد. فرانکلین بتگر

افتادید بسیار خوب، چه خواهد شد؟ برخیزید در افتادن ضرری منصور نیست. بدینختی در عجز و درمانگیت، کارنگی

اگر بدن از بیماریهایکه مانع نوشتن و خواندن و آموختن است سالم باشد و عقل بی عیب و رزق کافی باشد، غصه خوردن برای چیزهای دیگری بیجاست. جالینوس

اگر بخواهی برای تمام شادمانیهایی که داری تشکر کنی، دیگر وقتی برای گله گذری نخواهی داشت. رود

اگر آدمی را شادی در دل می‌آید حرای آستنکه کسی را شاد کرده است و اگر غمگین می شود کسی را غمگین کرده است. مولوی

اگر روح انسان چون آئینه از زنگ غم پاک باشد چه اهمیت دارد اگر جهره او برجین باشد. لرد اویوری

خوشخوه‌های خوش معاش است. جامع التبصر

انسان بپیشو کسی است که در گفتارش عجله نشان ندهد و در کارش نشاط داشته باشد. کنفوتسیوس

باید تا آخرین حد ممکن خوشبخت باشیم و شادمانی کنیم. چون تویک

اگر مایلید حوانچ مادی و معنوی شیما برآورده شود باید در رفع حوانچ دیگران کوشیش کنید و اگرمی خواهید خوش و خرم و سعادتمند باشید باید بیوسته خوشی و خرمی دیگران را مراعات نمایید و خلاصه اگر می خواهید تمام مردم شما را دوست داشته باشید باید همه مردم را دوست بدارید راه نیکوکاری در مقابل همه باز است

بزرگترین سرمایه آدمی توانگری نیست، خوبی خوش است. پوشہ

بطور دائم امواج شادی و آندوه از دو طرف ما می‌گذرد، استفاده از آنها بسته به اراده ماست. ابوالعلاء

بایدیگران بخند نه بر دیگران. دبل کارنگی

انسان بوسیله برآوردن تمایلات خود نمی تواند به نشاط و شادمانی برسد بلکه در صورتی می تواند با سرچشممه راه باید که یا بر سر تمایلات بگذارد. آندره گید

برکت عمر در روشنائی چشم و فرج دل در مشاهده نیکوان دانید. عبیدزاکانی



برای اینکه بزرگ ویژگی شوید باید هنگامیکه اشکهای شما می خواهد بزید تیسم کنید. برنانلو

بهترین افراد کسانی هستند که از نیکی و سعادت دیگران شاد شوند.

زنگی با اندکی شادی و راحتی بیشترش با مشکلات و سختی هاست مرد زنگیکسی است که بانلقوں بخود سختیها را فراموش کندواز لحظات شادی یادآوری نمایند.

خوشروندی دام دلهاست و خوشخونی آرام جانها. برفعی

بگوش و دل خود، بخوانید که همیشه از شادی دیگران شاد می شوید. پوشه

تیسم دشمن را دوست می کند. نیکولا جرج

باید تا شاد باشیم و به خاطر بسیاریم که بد بختیها غیرقابل تحمل آنهاست که هرگز بیش نمی آید. لاول

خوشی زیاد بیشاهنگ غم قراون است. مثل جیبی

تیسم حرفی ندارد ولی سود بسیار می دهد لحظه ای بیش پایدار نیست ولی باد آن در سراسر عمریافی می ماند. دل کارنگی

تو باید جراغ خود را روشن کنی اگرچه گرد تو کوران نشسته باشد. کاشانی
جهره سالم ولذت بخش همان اندازه برای آدم علیل خوب است که هوای سالم ولذت بخش. فرانکلم

در قلب خود بنویسید امروز بهترین روز سال است. امرسون

درهای آهین را بروی گذشته و آینده محکم بیندید و دیروز و فردا را در کار امروز مداخله ندهید. دل کارنگی

در موقع شادمانی مانند بدیختی باید قویل باشید. زان دایلا

پکساعت که آفتاب بتابد خاطره بک هفته بارندگی بیگیراه از خاطر میرود. آید بدریو
بک خنده بهتر از هزار ناله است. کروبل

بکی از حالات بد در انسان این است که بخطاهای دوستانش که مایه آزار او می شود بیش از آن توجه داشته باشد که بكمالات ایشان که سبب خوشحالی او را فراهم می اورد. کروبل

هر وقت که شادی تو ناراحتی دیگرای بوجود آورد منتظر انتقام باش. مثل فرانسوی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هرچه انسان تهی مغز نداشده خوشحالتر خواهد بود. مثل جینی هیچ حسن و نسبتی جوی خوبی خوش نیست.

هیچ چیز در دنیا بد یا خوب نیست قوه اندیشه ماست که بدی و خوبی ، سعادت و شقاوت می آفربند. شیللو

هر اشکی که از شادی می ریزد باک مکن. سینگ

هر قدر که می توانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیوده به مغزراه نده چونسلامیت تباہ می شود. دیکنر

همه جا شادی قشر نارکی است که رویرنج و بیجارگی کشیده اند. ویکتور هوگو

هر کس عادت داشته باشد به جنیه خوب و قایع و حواتد نگاه کند این عادت او از سالی هزار لیره عابدی بهتر و گرانها تراست. دکتر جانسون

هر روز خود را تازه کن باز هم دوباره خود را تازه کن ، همینشه خود را نو و تازه نگاه بدار. کنفوتسیوس

وقتی مريضی به بکی از اطبای مراجعته کرد پس از معاینه کامل بوی گفت معالجه تو فقط خنده و خوشحالی است. آنیشن

نعمتهاخ خود را بشمار نه محرومیتها. دبل کارنگی

نشاط و شادمانی در این است که طبیعت را بگان برای مداوادر اخبار مان گذارد است.

نوشیدن باده عشق از هر جامی که باشد تفاوتی ندارد، همینقدر باید سرخوش بود. جخوف

مرد

امتحان کنید مرد را به فعل او نه بقول. افلاطون

برزنان خود با احترام بنگرید و آنها گلهای آسمانی را در حیات زمین میکارند و جامه دلبدیر و زیبای محبت را میباشند و در برده عفاف احساسات لطیف راهبردی رانند. شیللو

برای یک مرد هیچ شکنجه ای بالاتر از آن نیست که قابل ترحم باشد . ناپلئون

مرد در زندگی خود نکه گاه و پشتیبانی بهتر از زوجه نیک سیرت و با احلاف نمیتواند بدست آورد. دونوکوبل

بندرت مردی بیدا میشود که بدون شاهد عمل خبری را انعام دهد . سه نگ
پسرت را هر وقت میخواهی زن بده ولی دخترت را هر وقت میتوانی . فرانکلین
زن بد مرداب خوشنگی است که مرد در آن غرق میشود. هنلا افريقاني
در بحرانهاي بزرگ وظيفه مخصوص زنانست که از مصائب ما مردان بکاهند. نايلتون
مرد پاک زن تیکو سیرت را شایسته احترام میداند. میلتون
مرد كامل آنسنکه دشمنان از او در امان زیست کنند نه آنکه دوستان از او هراسان
باشند. سقراط
مرد باید راست بایستند نه اینکه دیگران او را راست نگه دارند. مارکولی
مردان آفریننده کارهای مهمند و زنان بوجود آورنده مردان . رون رولان
مرد عالم کسی است که همیشه درصد و فراگفتن جیزی باشد. روسو
من هر وقت وارد منزل خود میشوم تمام غصه و ملالتهای خود را فراموش میکنم.
ارموندبورک
مردیکه بیوسته اظهار تأسف میکند ، بدرد نمیخورد.
هر مردی میتواند داماد شود اما هر مردی تمیتواند مرد باشد. مثل یونانی

شجاعت

انسان با استعانت قدرت و نفوذ تعقل واستدلال میتواند حتی بر وبا وطاعون غلبه
کند.نايلتون
شخص شجاع وبا جرات بیش از همه کس می تواند جوانمردی وفتیوت داشته و بلکه
اصلا طبیعت آنها اینطور سرشنده شده است.اسمايلز
اولین شرط توفیق شهامت است وی باکی. نايلتون
اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی. ولتر
اندیشیدن یعنی اینکه آدمی گاهی با شجاعت بگوید نه.



اگر کسی را تحقیر کردی معنایش این است که خودت بی شخصیت هستی. مثل هندی

برای شنا کردن بسمت مخالف رود خانه قدرت و حرارت لازم است والا هر ماہی مرده هم می تواند از طرف جریان موافق آن حرکت کند. اسمایلر برای یک قلب جسور وقوی همه جیز ممکن است.

برق ایش که بدرخشی و سوزانی ، نه شمع که بر فروزی و خود را بکاهی. نفیسی بی رفق شجاع ، شجاعت ممکن نیست. مثل آلمان

ترسوها بی رحمند ، اما مردان جسور حوانمردی را دوست دارندواز نجات دادن افراد شاد می شوند. گی

تقدیر، ارباب مردان ترسو است و برده مردمان شجاع. بزرگمهر جوهر شجاعت در این نیست که شما ترسید، بلکه در آن است که کسی نفهمد که ترسیده اند. نیون تماسخر سلاح ضعیفان است.

دلیر کسی را گویند همگی کاروکدار و پرخاسته از خرد و دانایی و پر ابر عقل باشد. شجاع بودن از مسافت نسبتا دور کار آسانی است. ایزو شجاع باشید حوانان، فراموش نکنید که برای جاودان شدن نخستین شرط این است. شجاعت بی مهارت و تدبیر، رود قریب می خورد.

شجاعت در این نیست که انسان خطر بینید بلکه در این است که خطر را بیند و بدان غلبه کند. دیشتر شجاعت مغلوب کننده کلیه سلاحهاست.

شجاعت پایه فضائل است کسیکه شجاعت ندارد فضائل در او نکمل نخواهد شد. شجاعت پس از احتیاط یکی از شرایط مهم احتیاط است. شوینهاور شجاعت و تناسب اعضای از محسنات حوانان محسوب می شود و سعی دارند بوسیله ورزش وغیره بر زبانی خود ببا فراید. پلو تارک شجاعت بزرگترین معرف انسانیت است. دانیل ویستر



شهامت بزرگترین صفت است زیرا صفات دیگر در سایه آن با بر جا می ماند. جرج جل'

شمشیر تیر بدست سرباز شجاع داده می شود. مثل جینی

شهامت را کسی دارد که ترس را بشناسد ولی آنرا مغلوب خود کند. نیجه

فاتح ترین افراد حسسورترین افراد هستند. محمد مسعود

عاجزترین مردان همینکه پای ناموس و با عشق در بین باشد از هر حیوانی قویترند. مثل فرانسوی

قلب دلبر در سینه مرد با شرف گوهري است در صندوق مغل

قهرمان واقعی کسی است که باعث شادی دیگران می شود. مونتلان

مرد قوی دل آئیه را حقیر می شمارد. ناپلئون

مرد بی شهامت کسی است که در جانیکه باید اعتراض کند خاموش بنشیند. الیکلن

مردان شجاع وی برو بجهان آفانی می کند.

کسیکه شجاعت ندارد در او حقیقت نیز موجود نیست. اسکان

نامداران جهان دلبرترین افراد هستند. ستون

نوشیروان از بوذر جمهر پرسید شجاعت چیست؟ گفت: قوت دل، سوال کرد چرا قوت دست نمی گویند؟ گفت: اگر دل قوی نیست قوت در دل نمی ماند. اخلاق ناصری

نه در تعریف دیگران شرکت کن و نه در تحقیر دیگران. مثل اندونزی

هر گاه بتوانم بعد از هرشکست لبخند بزنم، شجاع خواهم بود. ناپلئون

همان طور که شجاعت مسری است، خیانت هم مسری است.

بکی را محترم شدن و دیگر را تحقیر کردن نشانه مردانگی نیست. مثل اسپانیولی

یک قهر مان گناهکار در مقابل یک ترسی بیگناه به زانو در می آید. مثل انگلیسی

در آزادی و استقلال

۱- اولین لازمه شرافت یک ملت استقلال است.

۲- استقلال ملت ها را فقط با فضائل و اخلاق عالیه میتوان محفوظ داشت.

۳- حافظ نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست.

۴- هر گاه میخواهدی آزاد باشد باید پرستش حقیقت را بیشه خود سازید.



- ۵- بدون حقیقت آزادی ، آزادی میسر نیست .
- ۶- بک ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد .
- ۷- در راه زندگی شرافتمندانه باید از جان و مال گذشت .
- ۸- زنده باد ملتی که برای زنده داشتن آزادی ، زندگی را دوست دارد .
- ۹- آزادی مستلزم مساوات است در مقابل قانون همه برابریم .
- ۱۰- هیچ نوع آزادی را نمیتوان تصور کرد به ما اجازه دهد الی الا بدخطاکار باشیم .
- ۱۱- عطر گلاب جعلها را سراسیمه میکند ، عطر آزادی را در مملکت نشر نمایند تا جعلهای استبداد از میان بروند .
- ۱۲- آزادی عقیده در بالای سرهر سیاست حاکم است .
- ۱۳- شما هر قدر آزادی خواه باشید هستند جماعتی که از شما آزادیخواه ترند .
- ۱۴- ایران را ایران باید آزاد کند .
- ۱۵- در عنین آزادی باید مقید باشی .
- ۱۶- روح ملت فدائی هیچ کس نیست ، ارواح خادمین ملت باید فدائی ملت شود .

مشورت

اگر میخواهی کاری را خوب انجام بدھی با سه تن از سالخوردگان مشورت کن . مثل جینی

اگر با یک مرد عاقل به مشور بردازی نصف حکمت و خردمندی او به تو کمک خواهد کرد .

با کسانیکه برای دیگری میروند مشورت کردن بیفایده است و نشان بیجزدی است .
کنفوسموس

با کسیکه خود گرفتار وبا هراسان است شور مکن هر جند که صاحب رأی باشد . این ساعده

باید در مشاوره دقیق و خونسرد باشیم و در اجرای آن سخت و جدی . نایلنون

با عاقل مشورت کن که رأی ادخالی از هوای نفسانی است و با نادان مکن زیرا که او تابع هوای نفس باشد ، مشورت مکن با آنکه محاط زمانست بلکه مشورت کن با آنکه محیط بزمان باشد . سقراط

با دشمن نیز باید مشورت کرد تا پایه دشمنی او معلوم گردد . سقراط

با اینکه زیاد میداند با کلاهت مشورت کن .

جون با تو مشورت کنند جواب مده مگر بعداز تفکر و اندطشه بسیار تا کمیت رای خود را برای صواب دانی و اگر جه دشمنان باشند نایان بدیشان خیانت کنی و با فرو گذار نهانی برای ایشان از خیرخواهی و مصلحت آنجه میدانی . جواهر خلق



در امور مهم تصمیم باید از شوری باشد نه از یک نفر . حکمت شین تو ، هندو
 جون ترا شعلی بیش آید هر چند ترا کفایت ان باشد مستبتد بر رأی خود میباش که هر
 که مستبتد برای بود پیشمان شود و از مشورت کردن عیب مدار اما با پیروان عاقل و
 دوستان مشفق . فابوس بن دشگیر

کسیکه مشورت میکنند خوبیشن را در راحتی میافکند و دیگرا را در تعجب . بیناس حکیم
 مشورت با هزار کس کن و راز خود را با یکی مگو . امثال حکیم دهدخدا
 ممکن است در مورد مسائل مربوط بدیگران درست قضاوت کند ولی در مسائل مربوط
 به خودش بخطا رود زیرا در موقع قضاوت در امور خودمان « ارداده » بفعالیت میبردارد و
 « عقل » را از کار می اندازد لذا باید بادوست خود مشورت کند . شوینهاور

وقتی با کسی صحبت میکنیم در اتنای سخن جزءهای تاره ای برایمان کشف میشود
 که اگر تنها فکر میکردیم ، هیچ وقت بآن نمیرسیدیم . لرد اوپوری

شکست - ناممیدی

از پیروزی تا سقوط ، فقط یک گام فاصله است . نایلنوں
 آفتاب بزر سقف نمی ناید توبرسر خود سقفی از ناممیدی ایجاد نکن تا بتوانی از انوار
 آفتاب لذت ببری .

ارانجه باسانی بدهست آمده بد نگاهداری می شود . مثل آلمانی
 آنکه می خواهد زنده بماند باید با دشواریها درآمیزد . دشواری برای زندگان ما به
 نومیدی نیست ، نومید مردگانند . دکتر بروز خانلوی

اگر هر روز راه عوض کنی هرگز به مقصد نمیرسی . بالاتش
 اگر در وجود خود جستجو کنیم می بینیم که هزار قدرت در اختیار داریم و نهی
 دانستیم . حجازی

اخلاق روزگار را شناختم ، مصیبت نقد است و خیرش وعده و نسیه . ابوالعلا
 شکست باید انزی خفته ما را بیدار کند . دومن دولان
 بزرگترین مشکلات در جانی نهفته است که هرگز انتظارش را نداریم . گوته
 سوار لایق محکمتر از دیگران به زمین می خورد . مثل ایرلندی



شکست خوردگان دیبور فاتحان امروز را بوجود آوردند. ویلیر سیرون
شکسته‌انی است که خیلی بیش از فتح طفر بخشن است. مونتن
شکست‌ها به‌های نردهان موفقیت است کسیکه از اولین شکست‌هایوس شود
لیاقت توفیق ندارد.

ضرر کم را بوسیده بجشم بگذاریم. مثل فارسی
طناب در ضعیف ترین نقطه پاره می‌شود. مثل آفریقانی
 فقط کسانی شکست می‌خورند که تلاش و مبارزه نکرده‌اند. تامر بیلی

مرد

امتحان کنید مرد را به فعل او نه بقول. افلاطون
بزنان خود با احترام بینگرد و آنها گلهای آسمانی را در حیات زمین می‌کارند و جامه دلیذیر
و زیبای محبت را می‌باشند و در برده عفاف احساسات لطیف راهیبرو رانند. شیلیل
برای یک مرد هیچ شکنجه‌ای بالاتر از آن نیست که قابل ترحم باشد. ناپلئون
مرد در زندگی خود تکیه گاه و پشتیبانی بهتر از زوجه نیک سیرت و با اخلاف نمی‌تواند
بدست آورد. دونوکوبل
بندرت هر دی پیدا می‌شود که بدون شاهد عمل خبری را انجام دهد. سه نگ
پسرت را هر وقت میخواهی زن بده ولی دخترت را هر وقت مینوایی. فرانکلین
زن بد مردان خوشرنگی است که مرد در آن عرق می‌شود. منلا افریقانی
در بحرانهای بزرگ وظیفه مخصوص زنانست که از مصائب ما مردان بکاهند. ناپلئون
مرد پاک زن نیکو سیرت را شایسته احترام میداند. میلتون
مرد کامل آنسنکه دشمنان از او در امان ریست کنند نه آنکه دوستان از او هراسان
باشند. سقراط
مرد باید راست باستند نه اینکه دیگران او را راست نگه دارند. مارکولی
مردان آفریننده کارهای مهمند و زنان بوجود آورنده مردان. رون رولان



مرد عالم کسی است که همیشه درصد و فراگرفتن جزی باشد. روسو
من هر وقت وارد منزل خود میشوم تمام غصه و ملالتهای خود را فراموش میکنم،
ارمندبورگ
مردیکه بپوشیده اظهار تأسف میکند ، بدرد نمیخورد.
هر مردی میتواند داماد شود اما هر مردی نمیتواند مرد باشد. مثل یونانی

شهرت

به کارویشه ای ببردارکه نامت سیک وستگین نشود.بزرگمهر
اگریه شهرت خود علاقمندی با مصحابان خوب بیامیز جه تنها بی بهترار مصاحبیت باشدان
است.جرج واشنگتن

حسن شهرت ونام نیک بزرگترین سعادتهاست.شیلر
این شغل نیست که باعث افتخار می گردد ، بلکه شخص است که با شخصیت خوبش
به شغل خود ارزش بیشتری می دهد.ماکیاول
شهرت نیرومندترین آهنربای این جهان است.خانم روزولت
به جرات می توان ادعا کرد که زندگانی حقیقی عده ای از مشاهیر رجال بعد از
مرگشانشروع شده است.اسمهایلز گکمن
در دنیا کاری مشکلت از ساختن و پرداختن یک نام بر افتخار نیست .لابریر

شهرت یک سوگواری با شکوه برای سعادت است.ابوالعلا
شرافت نام را باید نگاه داشت امانتی است که به ما سپرده شده است و آنرا باید
با احترام بخشنده آن که سپس می خواهد بدیگران ارزانی دارد بخوبی حفظ
کنیم.شرلی

هر کس نگهبان شرافت خوبش است.مثل فرانسوی
شهرت و افتخار به کسانی داده می شود که خواهان آن بوده و در جستجویش
باشند.آنمول فرانس
شهرت کاذب مثل اسفنج است که با آب غرور پرشده و با حرارت آزمایش خشک می
شود. کارفلد



شهرت و احترام را نماید از خشونت و قساوت بدست آورد. مهاورا
نیک نامی از کمرنگ زرین بهتر است. مثل فرانسوی
شهرت آن جیزی است که تا کسی آنرا بدست نیاورده بدنیالش می‌رود و اما وقتی آنرا
یافت باستعمال عینک دودی سعی می‌کند از آن فرار کند.
عشق به شهرت و افتخارات از هوسهایی است که عرقاً به آن اعتنا ندارند. ناسیست
وقتی شهرت بدست آورده استان بدون دعوت بدورت جمع می‌شوند. اگر شهرت را
برای اینوه دوستان بی وفا طلب کردی چه بهتر تا پیشمان نشده در گمنامی بسر
بری.

جوانمرد برای نام خود می‌میرد و ناجوانمرد برای نان. مثل ایرانی
دهان خود را با احتیاط باز کن و بیند تا میزان ثروت و اعتبارت لااقل از طریق شهرت
بیشتر شود. تسلیمان

موسیقی

آن لطف و تغییر حالتی که بیهوذه در عشق و سفر می‌جوییم موسیقی به ما اهداء
می‌کند. مارسل بردت

با دقت به ترانه‌های ملی گوش فرادار آنها سرجشمه بی بایان فشنگ ترطن ملودیها
می‌باشد و جشم‌های ترا به صفحات مشخصه ملل گوناگون باز می‌کنند. زرمان

یگوئید بدامن جرا زمانیکه با نقاشان و حجاران حوان گفتگو می‌کنم با عمق فکر و اندیشه
آنان بی برم و تمایلات آنان را در بایم خیلی بندرت از خود سخن بیان می‌آورند در
صورتیکه وقتی با موسیقی دانان، همچسبت می‌شوم هرگز یک فکر زنده اظهار نمی‌کنند
و فقط از اصول و قواعد و فن و فرمولهای موسیقی را خواهد شنید. لرد بایرون

ایرانیان در دور باستان برای موسیقی خط داشته‌اند ۳۶۵ حرف «علامت» داشته و
با آن می‌توانستند، همه گونه اصوات را بیت کنند. از حافظ عارف جانیکه سخن باز می‌مایند
موسیقی آغاز می‌گردد. واگتو

در بین هنرها موسیقی بیش از همه در عواطف انسان تأثیر دارد یک سمعفونی در
هرماهه از دست یک استاد بدون شک بیشتر از یک کتاب اخلاق در دل اثر می‌کند.
نابلتون

در موسیقی تنها مانند کلمات معنی مشخص دارند ولی ترجمه و تفسیر آن
غیرممکن است. مثل سی

سرچشمه الهام شعر و نقاشی زایده و نمونه های خارجی است در صورتیکه موضوع درباره موسیقی صدق نمیکند لیکن آهنگهای دربارا که زیانی جوان از آنهاست هنرمندان بزرگوار بوجود میآید . آنسکو

سمفونی بنجم یتهودن عالی ترین سروصدانی است که بگوش بشر خورده است.
ادوارموگان فواستر

علت اینکه ما از موسیقی خوشمان میآید این است که در دنیا رواها و احلام خودفرو میروم طبیع عالی موسیقی را دوست میدارند لیکن بهتران میدانند که از آن میدانند که از آن به عنوان وسیله برای دخول در رواهای خوبش استفاده کنند. دیکتور هوگو

معماری موسیقی منجمد شده است. مادام روستال

گمان میکنیم تأثیر موسیقی این است که در هر کسی طک وجود ناتوی را بیدار میکند که خیلی عالی تر و زورمند تر از موجود پست معمولی همه روز است. موسورسکی

موسیقی فقط هنر نیست بلکه همه هنرهای زیبا را شامل است. نیکاویج مروف مردیکه در درونش موسیقی ندارد و نداهای خوش و دلنشیں او را تحت تأثیر قرار نمیدهد برای خیانت ، توطنه جینی و غارنگری مناسب میباشد و هیجکس نیاید بااعتماد کند. شکسپیر

موسیقی نه تنها احساسات را بیان میکند بلکه گاهی نیز احساسات را بوجود میآورد.
هانری الرفودنیه

موسیقی نیروی حیات بخش است که باطری اسرارآمیز خاطره های فراموش شده دورترین روزهای زندگی را در قلبها بیدار میکند. چارلز داردن

موسیقی بیان خوش آهنگ زندگی است. هوزاد

موسیقی کشوری است که روح من در آن حرکت میکند در این جا هرجیز گلهای زیبا میدهید و هیچ علف هرزه ای در آن نمیرود اما کمتر هستند اشخاطیکه بفهمند در هر قطعه از موسیقی جه شوری نهفته است. یتهون

موسیقی بخودی خودپرداخته ترین هنرهای زیبا بوده و همه طبیعت را شامل میشود اگر تنها هنرمندان از ارزش آن خواهد کاست. نیکلا بیوج مورف

موسیقی برای آواز و نقاشی برای منظر شعر است برای کلمات اما آنجا که موسیقی و شعر در فهماندن احساسات دقیق بشری کوتاه میآیند و در هنر خوبش فرو میمانند نویت نقاشی شروع میشود در بسیاری از موارد جیزی یک برده نقاشی به ما میفهماند یک میلیون کلمه بآذاری آن قادر نیست. هیکل آنژ



موسیقی از عالیترین هنرهای است که معنی مطالب نامعلوم و نفهمیدنی را برای ما توضیح میدهد و تفسیر میکند و ما را به عالمی که هنوز برای انسان مجهول است رهبری میکند. والتر

موسیقی عزیزترین ولی نامطبوعترین سروصداحاست ، حقیقتاً من سکوت را بر دل انگیزترین نغمه ترجیح میدهم. گونه

موسیقی از فکر تراویش میکند و به قلب می نشیند. بتهوون

موسیقی نوعی دلسیبلین و وسیله ایجاد و نظم و حسن مشترک است موسیقی قادر است آدمیان را مهربانتر و اخلاقی تر دمغقولتر نماید. مارتین لوثر

موسیقی احساسات را صدادار میکند. دولکروا

موسیقی احساسات بشری را لطیف میسازد و خشونت را از بین میبرد و رشته خشم و غضب را از روح خارج میسازد.

نغمه و وزن موسیقی تأثیر فوق العاده ای در روح انسان دارد و اگر درست بکار رود میتواند زبانی را در رویاهای روح جانگیری کند. افلاطون

من سهوالت را شعار خود کرده ام موسیقی نباید مانند علوم خفیه با اسرار جادوگری باشد. نالمن

موسیقی تنها مسکن ارواح آشفته بیسامان بشری است. مهربابا

موسیقی گرد و خاک زندگی روزانه را از درون و روح آدمی میزداید. درویاخ

میهمانی

آنکس که درمیهمانی عصیانی شو بی ادب است. مثل اینالبائی

اگر به میهمانی گرگ میروی سگ همراه ببر. مثل روسی

بهترین میهمان کسی است که کم بباید و زود هم برود.

برای میهمانی هر قدر خرج کنی بالاخره از باد میهمان خواهد رفت. مثل اسکاتلندي

حتی مورچگان از میهمانی که بموقع برخیزد خوشناسان نماید . مثل آفریقانی

درمیهمانی آدم خسیس همه میخورند و دردل بیماران ناسزا میگویند. مثل فرانسوی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جون میهمانی کنی از خوبی و بدی خوردنها غذرمخواه که این طبع بازاراً باشد، هر ساعت مگوی که فلان چیز بخور خوست با چرا نمیخوری یا من نتوانستم سرای تو کنم که این سخن کسانیست که بکار میهمانی کنند. قابوسنامه

دیوزن شخصی را دید که خوشتمن را برای حضور در یکی از جشنها مهبا میکند، گفت انسانها باید تمام روزهای خود را روز جشن و میهمانی بدانند. از کتاب درجستجوی خوشدنی

میهمان روز اول زر باشد روز دوم نفره روز سوم آهن روز چهارم سفال روز پنجم حاکستر که کوجه ریزند،
مثل ایرانی

هر کس برای یک و با دو روز میهمان انگاشته میشود و در روز سوم قضول و مزاحم،
مثل هندی

میهمان ناخوانده اگر دو نفر شد قابل تحمل است و اگر بیشتر غیر قابل تحمل.
هرگز در حضور میهمان عزیز فرزند را تنبیه مکن.

اگر در سفره ای میهمان نباشد گوئی در طعام نمک نیست نمک سفره میهمان است.
میهمان از پشت سر زیاست. مثل اسپانیولی
میهمان برکت، شادی و صفا بخانه دوست میآورد.

نبوغ _ مردان بزرگ

آنجه مرد را بزرگ میکند موفقیت است. ناپلئون از دیگران تلقید نکن خودرا بشناس و آنجه هستی باش بدان که در دنیا کسی مثل تو نیست. دل کارنگی آیا بخت و اقبال است که مردان بزرگ را به مقام سیاست میرساند؟ نه آیا جون مردان بزرگ بود توانستند بخت و اقبال را مطیع و منقاد خود سازند. ناپلئون از مردانی که سعی دارند جاه طبیعی های شما را تحریر کنند دوری کنید، انسانهای ناجیر همیشه این عمل را میکنند در حالیکه اشخاص بزرگ سعی دارند کاری کنند که احساس کنید شما هم روزی به عظمت خواهید رسید. هارک تواین ایجاد یک نام بزرگ آسانتر است تا نگهداری آن بتوه فن

اشخاص بزرگ و نامی بکوه مانند، هر چه باشان نزدیکتر شوی عظمت و ابهت انان برتو معلوم گردد، مردم پست و دوم همت سراب را مانند که چون کمی بآنان نزدیک گردی بزودی پستی و ناجیزی خود را بر تو آشکار سازند. گونه

بحانهای بزرگ مردان بزرگ بوجود می‌آورد. کنده

اشخاص بزرگ که در دنیا موقفیت های عظیم نصیب شان شده همواره در روح خود برای وقایع وحوادث غیرمنتظره جای مخصوص باز می‌کنند. متربینگ

اگر بگوئیم که متربینگ سقراط عصر حاضر است سقراط را خلی بزرگ و متربینگ را خلی کوچک کرده ایم.

بدشواریهای جهان بگوئید به سراغ کسیکه با آنها آشنا نیست باید. کسیکه روزها و شباهای دراز در زیر سنگ حواض خفتة باشد از قلوه سنگی کهرد راه بیمهانی زیریای او بیداشود نمی تالد. سعید نفیسی

اشخاص بزرگ که در دنیا موقفیت های عظیم نصیب شان شده همواره در روح خود برای وقایع وحوادث غیرمنتظره جای مخصوص باز می‌کنند. متربینگ

بعضی اشخاص ممکن است علی الطاهر خشنو نامعقول نظر باید ولی در باطن صاحب قلی پاک وروحی منزه و ارجمند باشند. اسمایلر

برای آدم توانا، هیچ باری سنگین نیست برای بازگانی، هیچ راهی دور نیست برای دانشمند هیچ کشوری بیگانه نیست برای آدم خوش زبان هیچ کس دشمن نیست. مثل چینی

برای اینکه انسان کمال بباید صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است. مثل چینی

برای اینکه بزرگ باشی نخست کوچک باش. مثل هندی

تاریخ بشر مجموعه ای است از حوادث زندگانی مردان بزرگ زمام امور حیات اجتماعی انسان در طی تاریخ و در میان تمام ملل جهان از آسیانی و اروپانی در دست مردان بزرگ بوده است که به نیروی استعداد و قدریه و اراده و فکر خوبیش بر دیگران برتری یافته اند و هرگاه تاریخ زندگانی اینگونه را از تاریخ بشر برداریم. دیگر جیزی که قابل مطالعه و دقت و بیرونی و تقلید باشد در آن باقی نخواهد ماند. نصرالله فلسفی

تبلیغ و نگرانی بهترین استعدادهای انسانی را بیدار می‌کند. دل کارنگی

تمام جیزه‌هایکه نوعی آینده خواهند گفت هم اکنون در وجود من و شما هست ، منتهی باید آنرا بیدا کرد و انگشت رویش گذاشت. متربینگ

تواضع نرdban بزرگی و بلندی است. شکسپیر



جاه طلبی هوس یک شخصیت بزرگ است از مرد جاه طلب هم ممکن است کارهای بزرگ سریزند وهم اعمال پست و ناشایست ، این امر بستگی تام دارد به اصولیکه راهنمای او است. ناپلئون

قدر بزرگ است آنکس که بنادرستی خود اعتراف میکند. مثل انگلیسی

جنون، فقر و زوال عقلانیست . نوع توانگری و شادابی آنست از آن جرند وی معنی و از این تازه و منعالی بدست میآید. پیرزانه

خاک گورستان را بو کنید مزار راد مردان را از بوی خون بشناسید.شیخ عطار

جرحیل سیاستمدار معروف در دفتر خاطرات دانشجویی که از ونقاوصای بادگاری کرد بود نوشت « عیب جامعه این است که همه دلشان میخواهد فرو مفیدی باشد.

خیلی باید صخره بزرگی باشی که جربانها از بهلویت بگذرد و تونگاهش کنی و بگونی تو آبی برو.

چیزی که افراد هر گونه از بزرگان خو نمیخشید خطاهاتی است که خودشان مرتکب شده و مسئولین از آن جلوگیری نکرده اند. پست اسفوز

در راه بزرگی از این خاطرات باید حذر کرد کاهلی ، بیماری ، پرخوابی و زود از خودراضی شدن. پنهانی از هندو

دریای خردشان زندگی با طوفانها و موجهای کوه آسا همراه است امواج سهمگین حوادث از بیشرفت مردان بزرگ در مسیر زندگی جلوگیری میکنند پیروزی مال دسته ایست که با داشتن تدبیر و عقل سینه حوادث را بشکافند و با کمک دانش و بیشنش با مشکلات مبارزه نمایند.

شاید قرنها بگذرد و در کره خاکی متغیری مانند متریلینگ بوجود نیاید. ایشتن

در آنجا که خیال میکنیم چیزی جزو ذلت نیست بسیار فضیلت میباشم و در آنجا که نصور میکردیم و در آنجا که نصور میکردیم همه حسابگری و دغلی است به دوستهای بی الایش میرسیم و بذین ترتیب از دو طرف افراط و تغیریت حد وسط بدست میاید و جون باین نتیجه میرسیم که هیچ موجود بشری ، خوب تمام ، باید تمام نیست انسان را یوشی کنیم، روزگار بدینی و مردم گریزی را درمان میکند. بولور

شاید قرنها بگذرد و در کره خاکی متغیرند مانند متریلینگ بوجود نیاید. ایشتن

شرافت و عظمت واقعی متعلق به کسانی است که بیشتر به بشر خدمت کرده و رنجهای موجود افراد در اکمتر ساخته باشند. باستور

شکستهای زندگی مردان توانا ساخته اند نه بیروزهای آن.



شهر بزرگ جانی است که دارای زبان و مردان بزرگ است، چنین جانی اگر از کلبه های کوچک نیز بدید آمده باشد، در واقع بزرگترین شهر دنیاست. والت ویتن
صمیمت یکی از دلائل نوع است. بودلو

طبعت زرادخانه نوع است شهرها بصورتی ناجیر بآن خدمت میکنند کتابها و دانشگاهها دست آدمید. چشم مشتاق دیدن افق است، چشم انداز کوتاه و اقیانوس و رو دودشت و ابرها و ستارگان را دوست دارد. خواهان تماس واقعی با عناصر و مهر ورزیدن بافضل درامدن و رفتن آنهاست. ا- ب- الکوت

عده ای معدود از مردان بزرگ برای مشهور ساختن ملتی کافی هستند. نابلتون
عده ای در امریکا لورنس سیاه بوسٹ را برای سوزانیدن در خرمان آتش برند و از او خواستند آخرين نظرش را درباره افرادی که کشان کشان او را روی زمین کشیده اند بیان کند او جواب داد من ابدا فرصتی برای جنگ و نزاع و نگرانی ندارم و هیچکس نمی تواند مرا آنقدر پانن آورد که نسبت باو کینه بحوم، دیل کارنگی

عزت و احترام ، قیمت رحمت و مشقت است. حسن رشديه
عمارات بزرگ را از سایه آنها و مردان بزرگ را از تعداد دشمنان آنها میتوان ساخت.
مثل چینی

عظمت مردان بزرگ از طرز رفتارشان با مردان خرد آشکار میشود. کارلایل
غم و محنت روزگار دل را روشن و فکر را قوی میکند و مصائب مردان بزرگ بوجود میآورد
از کتاب در آغوش خوشبختی

عمر آنقدر کوتاه است که نمیارزد آدم کوچک و حقیر بماند.
کسانی شایسته بنای بادبود میباشند که احتیاجی بدان ندارند بعیارت دیگر افرادی
لایق بنای باد بودند که قبلا در قلوب واذهان مردم جای گرفته اند. هزارلت

محترم بودن نتیجه یک عمر لیاقت اندوختن است. مادام دلامبر
کسانیکه از حیث استعداد و قریحه ما فوق دیگران هستند غالبا بخطا و تقصیر
نژدیکترندیرا، هیچ علت ندارد که استعداد را ما فوق بشر قرار دهد. ولتر
مردان بزرگ هرگز تا ضرورتی درین نیاشد ظلم نمیکند.

مرد بزرگ عمخواری و تشویش نشان نمیدهد عاقل است و تردید ندارد شجاع است و
نهینرسد. کنفوتسیوس



مرد فرزانه همواره نه نکته ار در نظر دارد ، روشن دیدن ، خوب گوش دادن ، مهریان سخن گفتن ، آداب داشتن راستگو بودن، انجام وظیفه کردن ، هنگام تردید پرسیدن خود را از خشم دور نگاه داشتن در عین موقفيت عادل و منصف بودن .**کنفوسيوس**

مردان بزرگ هرگز تا ضرورتی درین نیاشد ظلم نمیکنند. **نابلتون**

مرد بزرگ از صفات خوب دیگران استفاده میکند نه از صفات بدشان سوء استفاده .
کنفوسيوس

مردان بلند نام و با افتخار هرگز نمی میرند، زیرا که گورشان قلوب نسلهای آینده است. **تولستوی**

مردان بزرگ مانند عقاب هستند و آشیانه خود را روی قله بلند تنهائی میسازند.
شوینهاور

مرد بزرگ وقار دارد،اما مستکبر نیست مرد کوچک تکر دارد واما وقار ندارد.
کنفوسيوس

مردان بزرگ جز بکار خود به چیز دیگر اعتماد ندارند و از هیچکس یاری نجوبند.
کنفوسيوس

مرد بزرگ با روی خوش رومیکند و مرد کوچک با روی ترش میباید. **کنفوسيوس**
مردیکه واقعا بزرگ است حاکم بر افعالی است که خود پدیدش آورده . **نابلتون**

مردانی بوده اند که برای رسیدن به کمال حتی جان خودرا از دست داده اند.
کنفوسيوس

مردم فرومایه از اشتباهات و لغزشهاي اشخاص بزرگ لذت فراوان میبرند. **شوینهاور**
مردمان عادی نظیر شهر صد دروازه هستند که از هر یک از دروازه های آن که بخواهد وارد میشوند اما وجود مرد خردمند شهرباری است که یک دروازه دارد و آنهم دروازه ای بسته وقتی پسر خواست وارد شود ناچار دق الباب میکند. **متزلینگ**

مرد بزرگ و دیر وعده میدهد و زود انجام میدهد. **کنفوسيوس**
مرد خردمند نرفته میداند، نگاه نکرده می بیند و عمل نکرده کار را بیان میرساند. آینه نالاو

مرد بزرگ بخود سخت میگیرد و مرد کوچک تکر دارد اما وقار ندارد. **کنفوسيوس**



مصيبت نوع را آشکار میکند و اقبال و آسودگی آن را بنهان مینماید. هررس
معاشرت بردانانی میافزاید ولی تنهانی مکتب نوع است. گیوون
نگذاریم اشخاص شرافتمند و اصل روزگارمان بدون دریافت افتخاراتی از میان ما بروند.
فرانکلین

مقام عالی انسان در برابر شما آنرا بدست آورید. شیلر
ممکن نیست کسی شرح احوال و زندگانی اشخاص بزرگ و با استعداد را بخواند و
خودش بدون اینکه ملتفت باشد با فوه مرموزی بطرف مجدد تعالی کمال اخلاقی
کشیده نشود. دیزرتیلی

من برای شادمانی بدنی نیامده ام، آمده ام کارهای بزرگ انجام بدهم، بتهوون
نایجه درین حدود و تعیینات دیگران نیست قانون او در وجود خود اوست یا همچون
کوهی آتشفسان از درون میخ و شد و کوهباره ها از این پیش برمیاند دودهانه ای برای
فوران خودمیسارد، فطرت وی قانون میگذارد و کار خود را با آن می سنجد . گوته
می ارزد که انسان برای نیکنامی بهر نوع فداکاری تن دردهد.

نایجه کسی است که پیوسته افکارش را از فوه به فعل آورد ولی نایجه واقعی کسی
است که از مداومت خود داری کند، زیرا اخلاقیت ابدی مخصوص پروردهگار است، بالرای
نایجه باید بدنی باید نمیتوان نوع را تعلیم داد. درایند
نوع و ارسن بشر وقتی با عالیترین صورت خود بظاهر بر میخورد که شخص خود و
هدفهای فردی را در وجود اجتماع حل و محو کند. اینشتن

نوع چیزی نیست مگر استعداد فراوان در صبر و شکیبایی. بوفون

نوع نیروی ترکیب کننده ایست که میتواند افکاری کاملا تازه که هیچ علمی آنرا پیش
بینی نکرده ترکیب کند این آخرين درجه نیروی اخلاقی است. بی پژانه
نامداران جهان دلبرترین افرادند. سیرون

نایجه بر خلاف اشخاص عادی تنها در فکر خود نیستند و منافع شخصی را در نظر
نمیگیرند بدین جهت در آثار نایجه همیشه نظریه ای دیده میشود که دارای جنبه کلی
و جهانی و از حدود و زمان فراتر میروند. شوینهاور

نایجه بزرگ دارای کوتاهترین بیوگرافی ها ، هستند. امرسون
نیوتن بجای تخم مرغ روی آتش ساعت خود از گذاشته بود در صورتیکه قوه حادبه
زمین را کشف کرد.

یکی از مردان بزرگ

نوع یعنی حوصله، مثل فرانسوی

هرگز از خود انقاد ننموده و خود را با کسی مقایسه نکنید شما خودتان هستید و همین کافیست غالباً درخصوص سچایا، توانانیها، اعمال نیک و سودمند ارزش واهمیت شرافت و حیثیت و بزرگی خود فکر کنید.
بل نیس نس

هر نابغه خیلی بدنی می بخشد که نمی ستاند. هیلر

هر قانده بیشوانی باید به تناسب مقام و استعداد محیط ظهور کند و گریه میوه نارسی و عمل بمهوده ای خواهد بود.

هرکسی نیوگی دارد، اما اغلب برای چند دقیقه . ت. اس.البوت

هرگز به بزرگی نهیررسی نا در آن راه زحمت بسیار نکشی. سیروون

همه مردان بزرگ در زیر دانانی خود دارای دل کودک هستند، مثل چینی

هیجکس بلندی مقام پیدا نمیکند مگر در خوش . این عطا

یک مرد بزرگ عیوب مرد کوچک را نمی بیند، مثل چینی

یکساعت زندگی با افتخاره و با شکوه به یک قرن گمنام زیستن میازد. والترالسکات

عقل

آدم عاقل افعی را که کشت بجه اش را نمی بروند. تن

آنگاه که خرد مغلوب غصب توانست خود را از افراد انسان محسوب مکن. طین

اشخاص عاقل روح جامعه هستند. دانیال

از استادم پرسیدم از مردمان که عاقل ترند؟ گفت آنکس که کم گوید و بیش شنود و بسیار داند. بوذرجمهر

اگر بخواهی بر عالم فرماتروا باشی باید عقل برتو حاکم باشد. سرندک

اگر بمال دروشن گردی جهد کن تا بحد توانگر باشی که توانگری خرد از توانگری مال بهتر است. وشمگیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر عقل و دانش در وجود انسان جمع باشد کن دیگر حسیست اورا نمی برسم و فقط
تحسینش می کنم، لایبرور

آنگس مشاهده کننده تیزبین است که بتواند دقیقا همه جیز را مشاهده کند بی انکه
خود مشاهده شود. لاواتر

انسان عاقل همیشه از بد گوئی هانی که از او میشود استفاده می کند. تریزبانه
خردمند باشید توانگر باشید. قابوسنامه

برور دگارا هر که را عقل دادی چه ندادی و هر که را عقل ندادی چه دادی. انصاری
تروت اگر بدبست عقل نباشد مایه ادب روسیه روزی خواهد بود. حجازی

توانگری بهتر است نه بمال و بزرگی به عقل است نه بسال. سعدی

جهل حور حمامت وجود دارد اما فقط یک عقل سليم را می شناسم. مقل آفریقانی
خردمند کسی است که گفتارش را کردارش تصدیق کند.

خردمند آنچه را میداند نمی گوید و آنچه را که بگوید میداند. ارسسطو
سر آدم عاقل هرگز درد نمی کند. مثل ایتالیانی

دیوانه خودش را عاقل می بندارد و عاقل هم می داند که دیوانه ای بیش نیست.
شکسپیر

عقل است که بزرگترین مخترعین توسط ان به کرات راه یافته اند. بر تاریخ شاو
روزی اگر عقل را بخترند و بفروشند، ماهمهه بنصور اینکه زیادی داریم فروشنده خواهیم
بود. حجازی

عقل لشک و تردید را دانشگاه حقیقت خوانده اند.

شخص عاقل تنها برای خودش زندگی نمی کند بلکه برای خبر و صلاح دیگران نیز
بابستی کام بردارد. اسمایبلز

عقل نیرونی است که دنیا را اداره می کند. امرسون
عاقل کسی که این جهان را همچون دورخی بندارد و بکوشد خوبیشتن را در آغوش این
دورخ مصون دارد. ایزدی

فقط مرد عاقل ثروتمند واقعی است. مثل لاتین



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عقل از تدرستی بالاتر است زیرا باعقل غالبا می توان تدرستی را بدست آورد اما بدون عقل تدرستی از دست می رود. حجاری فکر پایه عقل است. دهخدا

عقل را از انسان بگیرند دیگر، هیچ جیز بهادر برای او نمی ماند . ها میلتوون عقل تنها این نیست که انسان در موارد عاجل بداند جه می کند بلکه مهم این است که بداند بعدا جه باید بکند. هوور

عقل بی عاطفه خطرناک است وعاطفه بدون عقل قابل اعتماد نیست آدم کامل آنست که هم عقل دارد وهم عاطفه.تن

عقل از دست نفس چنان گرفتار است که مرد در دست زن گیری رای. سعدی
عاقل در اول انجام می دهد همان کاری را که نادان در آخر انجام می دهد. مثل هندی
عاقل آنجه را نمی داند نمی گوید نادان نمی داند که جه می گوید. مثل ترکی
غالبا عقل و دل را شتباه می کنیم و آنجه را دل می خواهد بگردن عقل می گذاریم.
حجاری

کسیکه نمی تواند احمق شود نمی تواند عاقل باشد. مثل آلمانی
کسیکه خارج از محیط خانه خود را عاقلتر از محیط داخلی خانه نشان دهد احمقی
بیش نیست.مثل آلمانی

کسیکه فقط در فکر سیرکردن شکم است عقل را گرسنه گذاشته است. مثل چینی
مردیکه نتواند عصبانی شود احمق و مردیکه نخواهد عصبانی شود عاقل است.
ناچارم ورزش کنم و گرنم عقل من فاسد خواهد شد. تولستوی
هر کس چیزی را می بیند که آنرا در قلب خود حمل می کند. گونه
بک روز عاقل ببک عمر احمق میارزد. مثل تاری

هر وقت عقل و احساس و ادراک باهم دست بگربان شوند همیشه احساس غالب
می شوند نه عقل. گونه



عشق

جه بسا که دردهای درمان نایذیر را عشق درمان کرده است. سنجوی
با عشق زمان فراموش می شود و با زمان هم عشق فراموش می شود. صفا
اندیشه ها ، رویاهای آهها، آرزوها ، اشکهای ملازمان جدایی نایذیر عشق می
باشند. شکسپیر

بیوند عشق حقيقی حتی به مرگ گسیخته نمی شود چه رسید به دوری. ولتر
اگر در دل شوق و عشق داری از زندگی خویش بهره بشیاز بدست آری چه عشق
همواره آدمی را بسوی کمال راه نماید. بوشه

حقيقی ترین حقیقتها عشقست. بار لی

دنیا از عاشق خود فرار می کند. مثل اینالیانی

در یک عشق هزار مصیبت نهفته است.

طبعیت معشوق بی آزار و مهریان کسانی است که لز معشوقان دیگر سرخورده
اند. حجازی

در عشق بیروز کسی است که پای به فرار می نهد. نایلنون

در عشق سکوت بهتر از نطق و بیان ادای مقصود می کند. مثل ژابنی

دنیا تاتر عشق است.

شجاعت مانند عشق از امید تقدیمه می کند. نایلنون

عشق راهنمای زندگی و تعیین کننده پیشرفت آنست. ع-د

عشق و قتنی بحر عقل گوش می دهد که رفته باشد. ماگان

عشق بزرگ در پی تنفر بزرگ بوجود می آید. گرجستانی

عشق تنها مرضی است که بیمار از آن لذت می برد. افلاطون

عشق و سختی بهترین وسیله آزمایش زندگی زناشویی است. اسمایلز

عشق غالبا یک نوع عذاب است اما محروم بودن از آن مرگ است. شکسپیر



عشق اصل همه جیز دلیل همه جیز، خاتمه همه جیز است. لاکوردر
عشق آتش است اگر نباشد خانه سرد و تاریک اما اگر بینجا اعتناد خانه و خانمان رامی
سوراند. تن

عشق باید شادی بخش باشد نه رنج آور. نابلتون
عشق عطشی است که وقتی سیراب شد بر دلت می ماند و باعث سو هاضمه می

شود. فالاجی

عشق آتش روانسوزی است که هر قدر شعله آن بیشتر شود زودتر خاموش می
شود. ارسکارد

عشق مانند جنگ است که آغاز کردن آن آسان و پایان دادن آن دشوار است. ه. ل. مکن

عشق از بزرگترین و قویترین مردان دیوانگان و از دیوانگان عافلان دوراندیش بوجود
می‌آورد. گوستاولوبرن

عشق، قویترین سپاه است زیرا در یک لحظه بر قلب و بر مغز و جسم حمله می‌کند.

عشق خسارته را جبران می‌کند که بدوستنی ممکن نیست. هونتس

عشق وسیله الیست که تمام درد سردهای کوچک را یک درد سر بزرگ تبدیل می
کند. ولتر

عشق وسیله‌ای که تمام دردسرهای کوچک را به یک دردسر بزرگ تبدیل می
کند. ولتر

عشق لذتی است که در نتیجه خوشبختی دیگری برای ما دست می‌دهد. سینه

عشق وقتی که سر وقت پیران می‌رود آنها را جوان می‌کند. برینارد شاد

عشق هواس را از دیدن عیوب منع می‌کند. ارسسطو

عشق بلای است که همه خواستارش هستند. افلاطون

عشق گوهري است گرانها اگر با عفت توأم باشد. تولستوی

عشق معمار عالم است. هدیه

عشق روح را توانانتر می‌سازد و انسان را زنده دل نگاه می‌دارد. توماس مان

عشق، قویترین نیروها را در روح انسان بیدار می‌کند. نفیسی



عشق انسان را عاقل وبا تجربه می کند. نینگ
عشق ترس را از بین می برد. مثل جکسلاوا کی
غور آدمی فقط در برابر گرستگی و عشق تسليم اختیار می کند. مثل دانمارکی
کسیکه عشق می کارد اشک درو می کند. پلین
غیبت و دوری کم عشق را استوار می کند و غیبت زیاد عشق را می کشد. مرابو
کینه را کینه به پایان نمی رساند عشق فاطع کینه است. بودا
کسانیکه در عشق ظاهر می کنند رودتر از عشاق حقیقی بمقصد می رسند.
لانکلوس
کوچکترین شراره امید برای زانیدن عشق کافی است. استاندال
مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم.
مولوی
هر جا که عشق خیمه زند جای عقل نیست. سعدی
من از خوبیتهای جهان بهره مند گردیده ام زیرا در زندگی عاشق شده ام
شکسپیر
وقتی که موضوع عشق در کار است با عقل می لنگد. مترلین
وقتی عشق مباید کسی نهی بیند اما وقتی میرود همه می بینند. دولسیون
نهالی شاداب تر از عشق در دل نمیروید. مترلینگ
من نا با عشق زندگی می کنم جوان هستم و هر موقع که دلم شکفته و خرم باشد
فصل بهار عمر وايام نوروز روز زندگانی است. کاشانی
من عشق می ورم زیرا می خواهم زندگی کنم. ترزا ساند
هر کس که عشق رادر دیگران جنون می داند و حال آنکه خود همیشه بجهزی عاشق
است. حجاری
یک عاقل می تواند هزارسال فکر خود را بکار برد لیکن بقدر آنچه عشق در بکروز باد
می دهد کسب نتواند کرد. امرسون
هیچ چیز بر عشق نهی تواند حکومت کند بلکه این عشق است که حاکم بر همه چیز
است. لا فوتن



هنگامیکه فقر از در وارد شود عشق از بینجره فرار خواهد کرد. شکسپیر
هیچ شکنجه مولم تر از این از این نیست که انسان نه عشق بورزد و نه عشق نثار او
شود. کامل

حملات زیر مربوط به عشق از دوست خویم در siavash084 با آی دی pcseven است.
با چشممان تو مرا به الماس ستارگان نیازی نیست
(احمد شاملو)

از آئینه بپرس نام نجات دهنده ام را
(فروغ فرجزاد)

عشق تملک معشوق است و دوست داشتن تشنجی محو شدن در اوست
(دکتر علی شریعتی)

دوستت دارم نه بخاطر شخصیت تو بلکه بخاطر شخصیتی که من در هنگام با تو بودم
بیدا می‌کنم
(کابریل گارسیا)

اگر کسی تو را آنطور که می‌خواهی دوست ندارد به این معنی نیست که تو را باتمام
وجودش دوست ندارد
(کابریل گارسیا)

ممکن است در تمام دنیا یکی باشی ولی برای یکی تمام دنیا هستی
(کابریل گارسیا)

بدترین شکل دلتگی برای کسی آن است که در کنار او باشی و بدانی که هرگز به او
نخواهی رسید
(کابریل گارسیا)

عشق با یک لبخند شروع میشه با یک بوسه رشد بیدا میکنه و با اشک تومم میشه
(کابریل گارسیا)

دقایقی تو زندگی هستند که دلت برای کسی اونقدر تنگ میشه که می‌خوای اونو از
رویات بیرون بکشی و تو دنیای واقعی بغلش کنی
(کابریل گارسیا)

در عرض یک دقیقه میشه یک نفر رو خرد کرد در یک ساعت میشه کسی رو دوست
داشت و در یک روز میشه عاشق شد ولی یک عمر طول میکشه تا کسی رو فراوش
کرد
(کابریل گارسیا)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اینکه تمام عشقت رو به کسی بدی تضمینی بر این نیست که اون هم همین کار و
بنکه
(کابریل گارسیا)

عاشقان عشق را فخر می‌فروشند ارزانش مفروش
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عشق بلندتر از آن است که زیر نگاهی عناب‌آلود پامالش کنی
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عشق حقیقی‌تر از آن است که پشت ابری از حیاهای ناراستین پنهانش کنی
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عشق بیتمتر از آن است که به دست رودخانه روزگارش بسیاری
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

از صلب‌های کهنه سنتی که به دوش می‌کشیم امید معجزه نیست عشق
مسیحای زندگیست که دیگر بار زنده بودن را اعجاز می‌کند به صلب سنتیش مکش
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عاشقی که تنها گناهش عاشق بودن است به چه جرمی محاذات خواهد
شد... عاشقی؟!
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

هر کس برای دوستی حدودی قابل شود معنای دوستی را نفهمیده است
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

آنقدر بکدیگر را دوست بداریم که از حسادت دست برداریم
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

بار و باور هم باشیم نه بار خاطر هم
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

نهال دوستی واقعی آهسته رشد می‌کند
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

برای کسی که خیلی دوستیش داری ۱۱ شاخه گل طبیعی و ۱ شاخه گل
مصنوعی بخر، شاخه ی گل مصنوعی رو وسط شاخه گلای دیگه بذار و روش به کارت
رجسیون و روی اون بنویس "دوستت دارم تا زمانی که آخرین شاخه ی گل این دسته
گل خشک بشد
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

به کسی عشق بورز که لایق عشق باشد نه تشنه عشق، تشنه عشق روزی
سیراب خواهد شد. ویکتور هوگو

عشق یعنی اینکه ما باور کیم
بک دل دیگر ارادتمند ماست ...

ظلم - ستم - اندوه

آخرین درجه فساد بکاربردن قوانین برای ظلم است. ولتر
آدمی شاگردی است که درد و اندوه او را تعلیم میدهد و هیچکس بدون احساس این
مقلم قادر بنتسانانی خود نیست. الفردوموسه

آنکه به فکر فردا نیست به غم فردا گرفتار خواهد شد. از منتخبات کنفوتسیوس
آهن در آتش استحکام و قدرت میباید و بولاد میگردد، بشر نیز در درد و رنج نیروی
اخلاقی خود را بدست میاورد. هنری کیانس

آدم تنهکار میمیرد ولی شرس بعد ازاو میماند. شکسپیر
ادیت کشیدن بهتر از ادبیت رسانیدن است ادبیت که از دیگران بما میرسد هر فدر هم
سخت باشد زود میگذرد ولی وقتی دیگران را ادبیت کیم، آنها نیز در صدد تلافی برآمده
مدتهای دراز زندگانی ما را دچار اضطراب و پریشانی میکنند. لرد اویوری

از همه اندوهگین تر شخصی است که از همه بیشتر میخندد. زال بل سارتر
اسخاخص شریف و درد کشطه ای وجود دارند که با حداقل مهریانی قادر ندریج و در
خود را با شکیانی تحمل کنند. بودلر
از نفس بد جز فعل بدنباید و از طبیعت تاباک جز فساد و بی باکی نزاید.

افراد قوی و نیرومند کسانی هستند که در گهواره رنج پرورش بافته آنها میتوانند در
برابر طوفانهای مصائب مقاومت نمایند ولی کسانیکه در مهر عزت و نعمت پرورش بافته
با یک نسیم سرد پژمرده میشوند و با یک باد شدید از جای کنده میگردند.

کودک

آنکه اشکهای کودک را نخشکاند خود خواهد گریست. مثل آفریقانی



آدمی باید درینج خصلت باکودکان شرکت داشته باشد یکی آنکه همچون کودکان غم روزی نخورند، دیگر چون بیمار شوند از عذاب نتالندو گله نکنند و آنکه هر طعامی داشته باشند با یکدیگر خورند و چون با یکدیگر نزاع کنند درد نگاه ندارند و زود آشی کنند و ازاندک چیزی بترسید و با رفت باشند و بالندک چیزی راضی و خشنود گردند. بزرگمهر اطفال بالطبع مایلند مانند والدین خود باشند و هر کاری را که آنها بکنند انجام دهند.

اگر میخواهید بداین دختر شما پس از ازدواج باشما جگونه رفشاری خواهد کرد، کافی است به صحبت او و برادر کوچکش گوش کنید. سام لونسون اگر به بجه کمی محبت نشان بدهید، وی صد چندان بشما مهر خواهد وزید. جان رویکن

با کودکان باید ترمی و درشتی را باهم بکار ببریم، ته اینکه همیشه مانع آن شویم که ازراهی که میخواهند بروند، اگر از ایجاد دردسر برای خود در ملامت کردن آنان چشم بیوشیم در آن هنگام که بزرگ شوند مایه دردسر ماخواهند شد ولی بهر قیمت هست به زحمت میتوانید دوباره آنها را بجنگت آورید. برجون

امروزه سرگرم کردن یک بجه بیشتر از آنچه که برای تربیت و بزرگ شدن پدرش خرچ شده است تمام میشود.
هربرت پروشانو

بهترین دوره زندگانی ما دوره طفولیت است و همین که از آن گذشتیم وارد بدترین مراحل حیات میشویم. هوک

خطاهای کودکان به گردن والدین است. مثل آفریقانی

پدران و مادران دوره اول زندگی بجه هایشان را صرف آموختن، راه رفتن و صحبت کردن آنها میکنند و یقیه دوران کودکی کارشان این است که آنها را بشانند و ساکشان کنند. رابرت تانر

در هر بجه یک معماری حیرت بخش نهان است. شوبان فرزند به مثال انگشت ششم است. اگر ببرندش رنج دارد و اگر نگاهش دارند رشت نماید. نوذر شهریار

قبل از آنکه کودک را کنک بزنید یقین بپدا کرده باشید که خود سبب خطای اونسوده اید. اوستین اومالی

کاش حیوان وبا کودک بودم که آینده را نمیدیدم و گذشته را باد نمیکردم. فقط به حال توجه داشتم و خوش بودم. لا بروبر



کودکان یاد گذشته را نمی‌کنند و به فکر آینده هم نیستند دم را غنیمت شمرده و آنرا بخوبی طی می‌کنند، در بین سالمندان بسیار معدودند افرادی که اینجمن رفتاب می‌کنند. لابرویر

کودکان عموماً بکاری را دوست ندارند بنابراین تمام توجه شما باید معطوف به این باشد که این حصلت مشغله دوستی ایشان در جمیز صرف شود که بسود ایشان باشد. لاک

کودکان به نمونه و سر مشق بیش از انتقاد نیازمندند. زویر

نفرینی که از قلب خاموش کودکی بر می‌خورد کارگرتر از خشم نیرومندترین مردانست. ا- ب. براونینگ

کودک بی پدر جون خیمه بی سقف است. مثل آفریقانی

نمیتوانید بکودکی بیاموزید که از خود مواطیت کند مگر آنکه آنرا از بگذارید تا برای مواطیت از خود بگوشد ممکن است اشتباہ بکند ولی دانانی وی از میان همین اشتباهاه بیرون می‌آید. ه. ویجر

قدرت

انجا که قدرت با می گذارد قانون ضعیف خواهد شد. نایلتوون

اعتراف به نقص ضعف نیست بلکه قدرت است. اوزن به این

اعتماد بخود کاربرد آنچه قدرت و توانانی در شناسنایت نه دهم مبنای موفقیت شما را تشکیل می‌دهد. تماس ویلس

اگر من به نقاط ضعف و قدرت خود بی برم برای مبارزه آماده شده ام، بارگز

از سر راه مرد مقتدر دور شو. مثل آفریقانی

چشم گریان دیگران را به نگاههای مسرت آمیز تبدیل کردن لذت بخش ترین خوشبختی هاست. بودا

اگر نمی توانی گاز بگیری دندانت رانشان نده. مثل انگلیسی

اگر بنا توان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی. ولتر

برای یک قلب قوی وجسور همه جیز ممکن است. دیرونک

توجه نسبت به اینده باعت می شود که انسان همیشه به قوت خوبیش بیفزاید و برای فردای خود بیش از آنچه امروز بکار برده است توانانی حاصل کند. سعید نفیسی



تو فقط بوسیت گرگ را به پشت من بیندار من خود می دانم جه کنم، مثل افریقانی
زندگی عبارت از تنفس نیست مقندر شدن به اجرای آمال و نظریات است، روسو
شخص قوی و آشیار هردو راه خود را باز می کند. مثل انگلیسی
قدرت هر دستی را که بان می خورد مسموم می کند. شیلر
قدرت درحمله نهفته است نه در دفاع .
کسی که قدرت را با بول بخرد عدالت راهم به بول می فروشد. مثل انگلیسی
کاری که گرگ به زور انجام می دهدرویاه به حیله انجام می دهد. مثل انگلیسی
مبارزه است که قدرت بوجود میابرد نه استراحت. ستاہل
معنی حیات را در قدرت باید جستجو کرد هر لحظه ارزندگانی ما باید هر عالیتری داشته
باشد. گودکی

قانون

هرگز احساس ضعف ما نبایدما را از با در آورد. دوده تارک
وظیفه اصلی و اساسی کلمه قدرت این است که در خوشبختی بشر بکوشد. هانری
دودلنان
هر کسی دیوار پوسیده و فکستی را هل می دهد. مثل جینی
هیزم شکن قبل از آنکه نیرو و قدرت بخواهد مهارت لازم دارد. هومو
همه کس می تواند بدیختنی بدبختی را تحمل کند اگر می خواهد اخلاق کسی را
امتحان کنید به او قدرت بدهید.
لينکن
مبارزه است که قدرت بوجود می آورد نه استراحت. استراحت
از سر راه مرد مقندر دور شو. مثل آفریقانی
اعتراف به نقص ضعف نیست بلکه قدرت است. آنان



انجا که قدرت با می گذارد قانون ضعیف خواهد شد. ناپلئون شخص قوی و اشاره هردو راه خود را بارزی کنید. مثل انگلیسی آنکه به گله وحدت میخشد کوسفندي نیست که بع بع میکند بلکه سگی است که کار میگیرد.

آدمی نمیتواند به طبیعت فرمان بدهد مگر آنکه قوانین لایزال آنرا بیژیرد در صورت این شناسانی است که طبیعت رام آدمی میگیرد.

آنچنان رفتار کن که رفتار تو بتواند قانون کلی شود . کانت ارزش بکدولت وابسته بارزش افراد است که آن را تشکیل می دهد. جان میل اگر بانتظر قدربالاترا سطح قوانین موضوعه بقضایا نگاه کنیم خیلی بصراط مستقیم حقیقت نزدیکتر می شویم .

اگر در تمام جهان یکدزه بی مقدار که خود جهان دیگری است از قوانین گیتی متابعت نمی گرد مدتھای مديدة بود که جهان ما دیگر این جهان نبود . متر لینگ

اگر روزگاری مقام تو پائین آمد نامید مشو زیرا آفتاب هر روز هنگام غروب پائین می رود و بامداد روز دیگر بالا می اید. افلاطون

اگر فرمانرو خود راست وصدق باشد کارها حتی بی راهنمائی او بنام خواهد رسید. کنفوتسیوس

این هم بدینختی بزرگی است که در بعضی از کشورها به قوانین بیش از انسانها اهمیت می دهند ،

باید قوانین مالیات را طوری برقرار سازند تا طرز وصول مالیات از خود مالیات سنگین نر نباشد. مو نتسیکوس

بدون وجود یک حکومت خود مختار هرگز ممکن نیست جامعه تکامل بیدا کند. هربرت اسپنسر

بر عیب ضعیف رحم کن تا از دشمن صدمه نبینی . سعدی
برای احترام بقانون سقراط با اینکه بی گناه بود بر حام شوکران بوسه زد.
بزرگترین مشکل امروز برای حکومت ها اینستکه مردم را وادار باطاعت کنند بدون آنکه مجبور به فرمان دادن باشند . ولیسون

بشر تا زمانیکه از نا امنی می ترسد یا آن را بخاطر دارد حیوان رفاقت کننده ای بیش نیست . ویلسون

بشر جون صالح ویاک بود بقانون نیازمند نیست و جوام متفاوت وید کاره شد قانون نمیتواند حلولش را بگیرد. دیرزانلی

بهترین طرز حکمرانی سلطنت بر قلوب است. نایلنون

به کسی رای بدھید که کمتر از همه وعده می دهد زیرا کمار از دیگران خود شما را مایوس خواهد کرد. پاروخ

بیگناه باش نا بی بیم باشیم . پسندان

رای اینکه بیش روی قاضی نایستی پشت سر قانون راه برو. مثل انگلیسی

برای تائیر در قلوب دیگران ۱۲ فاعده زیرا عمل کنید .

۱- بهترین وسیله علیه در مشاجره و مباحثه اختیار از ورود در مشاجره و مباحثه است.

۲- عقاید طرف خود را محترم شمارید و هرگز باونگوئید که بخطا می رود.

۳- اگر خود را خطاکار می دانید صمیمانه و بدرنگ بخطای خود معرف شوید .

۴- به ملایمت سخن آغاز کنید .

۵- خصم را بکشانید بجانیکه از ایندای مکالمه جوابهای منبت دهد.

۶- بگذارید طرف مطلب خود را آزادانه بیان کند.

۷- فرضت دهید طرف فکر تلقین کرده شما را از ابتکارات خوش تصور نماید.

۸- صمیمانه بکوشید که مسائل را از دریجه نظر طرف بنگرید.

۹- دیگران را مشمول عواطف و همدردی و غمگساری خویش کنید .

۱۰- متوجه عواطف عالیه مخاطب شوید .

۱۱- در جسم و خیال طرف تصرف کنید .

۱۲- طرف را بر سر غیرت آورید .

دل کارنگی

جانیکه قانون ختم می شود ظلم و ستم آغاز می گردد. بیت

جاده قانون و دستور دراز وجاده سرمشق کوتاه است. سه نک

چگونه می شود بر ملتی که دویست و جهل و شیش نوع بنیاد دارد حکومت کرد. دوگل

حداکثر قوانین در فاسد ترین و بدترین حکومت ها دیده می شود. تاسیتوس

حکومت کشوری که در آن نکدی بصورت حرفة در اید بدوفاسد است. ولتر

حکومت کشوری که در آن نکدی بصورت حرفة دراید بدوفاسد است. ولتر



حکومت استبدادی را بتها تشکیل می دهند و حکومت دموکراسی را بست پرستان .
برنارد شاو

حکومت مردم بر مردم و برای مردم هرگز محکوم بروال نخواهد بود. لیکن
حکام نخستین رازور وزیر دستی بوجود آورده و حکام بعدی را قوانین بر مردم مسلط
ساخته است. ولی

همیشه دم ار صلح بزن ولی اماده جنگ باش . نایلنون
هیچ قانون و مذهب و مرامی بد نیست بسته باینکه بدست چه کسانی بیفتد . تن
هر کس هر جند ناتوان باشد باز می تواند لا اقل بر شخص خودش حکومت کند . مثل
یونانی

هر کس سوار بلنگ شد مشکل می تواند ار پشتیش بیاده شود. مثل جینی
هنگامیکه فساد باوج می رسد قدرت به خود منانی می بردارد . مثل جینی
محبت بزرگتر از قانون است ، دل کارنگی
نخستین وظیفه یک حاکم احراری عدالت است . نایلنون
نظم اولین قانون طبیعت است. دل کارنگی
قانون غالبا دندان خود را نشان می دهد ولی گاز نمی گیرد. مثل انگلیسی
قراردادی که با خون امضا شود فقط با خون لغو می شود . مثل لاتین
کسیکه در حضور از تو می ترسد در غیاب از تو متنفراست. مثل ایتالیانی
نظم اولین قانون طبیعت است. دل کارنگی
محبت بزرگتر از قانون است. مثل جینی
قراردی که با خون امضا فقط با خون لغو می شود. مثل لاتین
برای احترام بقانون سقراط با اینکه بی گناه بود بر حام شوکران بوسه زد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فقر - تنگدستی

احتیاج همه چیزرا تغیر می دهد. مثل بلغار

بدترین حالت برای انسان موقعی است که تنگدست وزیردست باشد. روسو

تنگدستی نه تنها برای اندیشه بلکه هر نیز آموزگار خوبی است. رومن رولاند

خواب گنج مرد فقیر است. مثل لا توبا

نهی دستان که نیاز و حسد را بدل راه نداده اند پرجمداران غرور و سریلنگی تبار
انسانند. آرمنهایم

عادل باش گرجه گدا باشی. مثل فرانسوی

فرق درد و بولدار آنست که دردمال اعانيا را میدزد و مالدار بول فقرا را. برناردشاد

فرض خوره عمر است. مثل اینالیانی

فقیر برای سیرکردن شکمش در عذاب است و غنی برای معالجه ناراحتی. فرانکلین

فقر و مسکن مردان را به جنایت وزنان را بفحشا سوق می دهد. هوگو

فقیر آن نیست که کم دارد بلکه آن است که بیشتر می طلبد. سنکا

فقر بدترین نگهبان عفت است. مثل اینالیانی

فقر راه فضیلت و نقوی را مسدود می سازد. مثل لاتین

مادر هر عیبی فقر ویرشانی است. روسو

گدا هر قدر گردنش را کج تر نگاه دارد بیشتر دروغ می گوید. مثل اسکاتلنگی

فرض فقری است توامر با مصیبت. مثل اینالیانی

کم رونی برای نیازمندان سودمند نیست. افلاطون

فقر هر فضیلتی را از بین می برد. مثل عیدی

بک قطعه نان چیز مهمی نیست اما برای ولگردی که از گرسنگی می فرید. زیرزسیون

هرچه ما را محدود می کند آن را بخت و اقبال می خوایم. امرسن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وقتیکه خود را برای بدترین وضع اماده کنیم نگرانی در ما انر ندارد. کارنگی
کم روئی برای نیازمندان سودمند نیست . افلاطون
قرص فقری است توام با مصیبت. مثل ایتالیانی
فقر راه فضیلت ونقوی را مسدود می سازد . مثل لاتین
قرص خوره عمر است. مثل ایتا لیانی
فقر بدترین نگهبان عفت است. مثل ایتالیانی
عادل باش گرجه گدا باشی. مثل فرانسوی

فروتنی

برای بقای دوستی باید فضیلت وارزیش یکدیگر را بشناسند و همدیگر بدبده احترام
بنگرند. ارسسطو
برخی از خطاهاست که اگر درست بکار گرفته شود از فضیلت هم بیشتر می
درخشند. لارشفسوگو
بنظر من فضیلت یعنی محبت داشتن به آدمیان. کنفووسیون
بسیاری از مردم فضیلت را در پشمیمان شدن از خطأ می دانند بجای احتیاط کردن از
آنها. لینجستنبرگ
بهترین میراثی که بدران برای فرزندان خود می گذارند فضائل آثار خوب است.
سیسیرون
بهترین آثار وجاهم آن چیزیست که نمی شود شرح داد .
بیشتر از هنرمن به فضیلت مدیونم که نگذاشت با خودکشی بزندگی خود خاتمه دهم .
بنهیون
تمام طلاهای روی زمین و زیر زمین به قدر یک فضیلت ارزش ندارد . افلاطون
جانیکه کوشش ومجاهده وجود ندارد ، فضیلت ونقوی ممکن است. برناردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جانی بروکه ترا بخوانند، نه جانیکه از درت برانند.

حاصل من ار فضل فقط این شد که بر جهل خود دانا شدم. بفراط

حجب و حبا تنها آرایش است بلکه نگهبان فضیلت است. ادیسن

حدودی وجود دارد که وقتی فضیلت ازان بگذرد شایستگی به نا شایستگی ولذت
بزحمت مبدل شود. زرزاپیون

حقیر شمردن مر گ یکی از عمدۀ ترین فضایل اخلاقی است. مونتن

خوشبخت ترین افراد کسی است که فضیلت دیگران را قدر بداند وار خوشبختی
دیگران نیز احساس مسرت کند .
گونه

در انسان نعمتی از این بهتر نیست که به مقدرات خود سر تسلیم فرود آورد ، و مزه
عظمت آرا بجشد. یوسکی

فضایل ما اغلب همان رذائل ما هستند منتهی در لباس مبدل . فوگو

فضیلت پرهیز از رذایل نیست بلکه بی میلی نسبت باشست. شاو

فضیلت را با کردار نه با گفتار پرورش نی توان داد . لو مینوس

فضیلت چون با آداب نایسند توأم شود مایه درد سدر است. لتون

فضیلت نمی تواند بنهایی بسر برد خواه ناخواه همسایگانی بیدا خواهد کرد. مثل
جنی

فضیلتی که خریده شده باشد همواره گرانست . مثل جنی

کسانیکه دارای بک فضیلت هستند همدیگر را دوست دارند. مثل جنی

گناه از سه راه میسر است خود گناه کردن اجازه گناه دادن گناه دیگر را پسندیدن .
هندو

همانطور باش که تلاش نی کنی دیگران بشوند وجودت موعظت باشد نه سخنان .
آی ال

مرد به سیرت مرد آید نه بصورت. عطار

جانی برو که ترا بخوانند نه جانیکه از درت برانند.



هوس

از فرمان نفس حذر کن. خواجه عبدالله انصاری

اگر میخواهد غنی شوید از هواي نفس کاهيد. ولتر

آدم جمیز را که دارد نمیخواهد، جشم و دلش دنبال جیرهانی که ندارد میرود در صورتیکه هزارها مردم به داشته های او حسرت می بیند.

خدرا ، بهوس نزدیک مکن که خرد از توروی بر میتابد. بزرگمهر

آنکس که میخواهد به چاکی و طهارت باطن نائل آید باید خوشبختی رادر فکر و کلام و عمل کاملا از قید هوی و هوس رهانی بخشد. گاندی

اگر روزگار یک موجب ملال فراهم میکند ما خود بدست خیال ده موجب دیگر میسازیم.
حجاری

از تصویر محسوسات توجه میزاید و از توجه خواستن و ارجواستن شعه های هوی از هوس عنان گسیختنگی ، حافظه عهد و وقار افراموش میکند و مقصدا لارا فرومگذارد و روح را ناوان میسازد تا آنکه روح مرد و مقصد و الا همه از دست میرود.

کسی که در هوس رانی بگوشد از شخصیتیش کاسته شود.

انسان نباید هرگز به بیرونی موقتی که بنفس یافته است فریفته شود زیرا نفس آدمی گاهی سالها خاموش و بدون جنبش میماند و ناگهان به اقتضای موقع و یا در نتیجه وسوسه ای بازیهیجان میابد. نایلنوں

هوسها را بازیجه قرار دهیم نه آنکه خود را بازیجه هوسها باشیم. حجاری

اگر بتوانیم بر هوسهای خود تسلط بیندا کنیم تمام مشکلات برای ما آسان میشود، ولی تسلط بر هوس یک عمر زحمت دارد ما جون کسی هستیم که عنان اسب سرکش را بدست داشته باشد، آیا میتواند دقیقه ای از مواظیت آن غفلت کند. هوس بر روی خیالات واهی و خوشبختی بر روی واقعیت بنا شده است. شالمقور

معدلک هر کس بخواهد میتواند زمام هوسهای خوبی از بدست گرفته و بدینوسیله کلید خوشبختی را در اختیار خود داشته باشد. لرد آوبوری

هوس مال برستی ، بزرگترین سرجشمه غم و رنج است. تران کنگ

نکوشید که بند هوس خود نباشد، و گرنخ خوبی و بدی شما در قالب هوسستان خواهد ریخت جرآن دم که هوسستان خرسند است خوب بخواهد بود و هنگام ناخرسندی هوس جز بد بخواهد کرد.



هیچ چیز از دست نرفته است و همه چیز در دسترس ماست. تو حسون باش و مایوس مشو، مالک همه چیز خواهی شد. محمد مسعود

تغیریزیر نشانه ناتوانی است کمتر اتفاق میافتد که یک شخص در دو روز بکسان چیز را بخواهد و در صدد دست یافتن بآن باشد. شارون

مصطفی حقیقی حیات آنقدر ها زیاد نیست ، عذاب و بدینه دانمی ما نتیجه اضطراب و وسواس و هوسبازی است. لرد آوبوری

تنها تفاوتی که بین هوس و یک عشق جاویدان یافت میشود این است که هوس از یک عشق جاویدان با دوام تر است.

دیوزن به اسکندر جوانگیر گفته بود: تو بنده بنده من هستی، یعنی من برهوشهای خود تسلط یافته ام و تو اسیر آن هستی. لرد آوبوری

هوشهای نفسانی غالباً ضد خود را تولید میکنند، مثلاً حرص گاهی تولید اسراف و اسراف تولید خست میکند ما غالباً از فرط ضعف قوی مینمانیم و از فرط جین شجاع میگردیم. لارشفوگو

فروتنی

آنکه برند نیست نباید بر برنگاهها آشیان سازد. نیجه

آنکه ترک دنیا می کند بهترین راه استفاده از دنیا را یافته اند. حجازی

آسانترین راه برای از بین بردن افتخارات خود ستانی است. مثل ایرانی

از خود خواهی خود را دچار بلا نکن.

اگر انسان یکروز از خود خواهی بگذرد همه اورا اینک خواهد گفت. کنفوتسیوس

اگر متواضع باشید کمتر مورد حسد واقع می شوید. متفق

انسان مانند رود خانه ای است هرجه عمیق تر باشد آرامتر است. منتکیو

بردبایی بهترین وسیله رفع هر نوع ناراحتی است. بلتونس

اگر منتکر نباشیم از کمر دیگران شکایت نخواهیم کرد. فوگو

بدترین حلق کسی است که مردم از او بترسند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر می دانید خطای کار هستید ببیننگ و از صمیم قلب بخطای خود اعتراف نمانید.
کارنگی

پسر موجودی است که باید بر خود غلبه کند . نیجه
بکوش نا آنچه را که علا جی ندارد با مدارا تحمل کنی. سقراط
با پیران همچنان سلوک کن که با بدتر سلوک می کنی. مثل زبانی
بحای خودت بنشین کسی بلندت نخواهد کرد. مثل امریکانی
تابه بل نرسیده ای از آن عبور مکن و برای شیرینی خته شیون راه نینداز. کارنگی
تحمل و بردباری بالا ترین حرمت و حسارت است. پاستور
تکبر در همه مردم بطور بکسان وجود دارد تفاوتی که هست در طرز بروز آنست. فوگو
تکبر، تشخوص، خود برسنی، عشق بخود ناشی از بی معرفتی است.
تنها راه سعادت همانا سادگی و شبیه شدن بمردم ساده است و مابقی همه فرب
و در دسر است. جمالزاده
تکبر و خسته هزاران صفت خوب را می پوشاند. کنفوشیوس
تو شخص بزرگی هستی، مقتدری کاری بکن که من قدر تو را بدانم و محترمت
بشمارم. لا برویو
تواضع بجا اخرين حد تکبر است. لا برویو
تواضع با همه کس بکار دار و هیچ متواضع را حفیر مشمار . ناصری
خود سیاستی جان من برهان نادانی بود. مثل ایرانی
دانانی عمدت انسان در این نهفته است که به حماقت خود پی ببرد. فوگو
دانی که اثر حکمت در مرد حکیم کی ظاهرشود آنوقت که خویشتن را ناجیر و حفیر
می شمارد. سقراط
سعی کن بر ضد حریان باد اب دهان بیندازی . نیجه
سعادتمند کسی است که هرجه مسن تر شود مشفع ترگردد. گونه
سلوک ورقنار آئینه ای که در آن ادمی تصویر خوبیشتن را نشان می دهد. گونه



ستگین ترین خوشه ایست که بیشتر سریش بطرف زمین خم شده است، مثل
اپرلندی

سوار اسب که شدی بیاده ها را از باد میر.

صرف نظرکردن از حاجت بهتر از خواهش از نا اهلان است.

عظمت مردان بزرگ از طرز رفشارشان با مردمان کوچک آشکار می شود. کارنگی
 فقط با اطاعت از طبیعت می توان به آن چیره گردید.

کسیکه هیچ چیز را تحمل نمی کند خود او تیز تحمل نایبر است . زانه
گناهی بزرگتر از جاه طلبی نیست. لاتونسے

مرد بزرگ بخود سخت می گرد، مرد کوچک بدیگران . کنفو سیوس
هر انسان جاه طلبی اسیری است و هر آزمند گданی.

هرگز ننشین در جای مردیکه می تواند به تو بگوید برخیز.

هرکه بیشتر خودرا می خواهد بیشتر رنج می برد. کینگ
گناهی بزرگتر از جاه طلبی نیست. لاتونسے

فقط با اطاعت از طبیعت می توان به آن چیره گردید.

هرگز از خودتان نگوئید و تعریف نکنید ، بگذارید اگر صفاتی دارید از دهان دیگران شنیده
شود ، کینگ

هنر - هنرمند

آنچه که طبیعت توقف میکند ، هنر آغار میشود. وبل دورانت
آنچه هنگام مردن براندوه میافزاید بیهندی فرزند و کارهای بیهوده و ناپسند اوست و هر
آنچه از غم میکاهد، هنرمندی و اندوخته داشتن کردار نیک و پستدیده اش میباشد.
آنچه که در یک شب نمایش میاموزیم از عهده یک کتاب بزرگ ببرون است. ولتر
اختلاف رأی درباره خوبی و یا بدی یک اثر هنری نشان میدهد که آن اثر بر معنی و
جاندار است. اسکار والد

از هر جیز که در زندگانی ما را غمناک میسازد و نفاسی برای ما خوشابند است، میکل آنژ

اریش هنرمند را باید هنر شانس معین کند نه مردم توی کوچه؛ تعریف این و آن غره نشوید و خود را هنرمند نشناشید بگذارید مقام و شخصیت شما بی آنکه بدیگران تحمل گردد، شناخته شود. رولا

اگر هنر داری بیاورو گرنه هنر نمائی مکن که رسوانی بیار خواهد آورد. گوته

اگر مردم میدانستند برای احرار مقام استادی چه رنجها برده ام و چه روزها وجه شبها جان کنده ام هرگز از دیدن شگفتیهای هنریم منتعجب نمیشندند. میکل آنژ

بالاترین مزد هنرمند لذتی است که از توفيق خود میرسد. آگوست ردن

انسان وقتی هنرمند شد قلب او بقدر کافی وحشتی، چه شری دارد اگر لباس خوب بپوشد و خود را بصورت شخص عاقل در بیاورد. توماس مان

باید هنر را از بند قوانین آزاد کرد و بصورت زیبا و طبیعی خودش جلوه گرساخت. بیره

اینکه انسان بتواند چیزهایی را که سبب آزار دیگران است در خود از بین ببرد هنر است. کوکرل

بدترین پاداش یک استاد اینستکه شاگردانش تا ابد درحال شاگردی وی باقی مانند.
نتجه

بدیختانه همتوغان ما طوری ساخته شده اندکه افرادیکه در راههای صاف و کوبیده شده راه میروند، بیوسته برکسانیکه میکوشندراه جدیدی بازکنندستگ میاندازند. ولتر

در کسب دانش و هنر همچشمی و رقابت نورزید، بزرگ و بالریش نمیشود.

برای اینکه واقعیات زندگی آدمی مانند آرزوها، امیدها، عشق ها یک نوع تجسم واقعی و بادوام باید، کسانی لازمندکه حساستر روشن بین تر، وارسته تر از دیگران باشند تا بتوانند با جوهر وجود خوبش حیات دیگران را حل نموده هنرمندانه از آن نقشی بلیغ بسازند. بورند

بهمان شدتی که بقال بکاسی می ذوق دارد، هنرمند از معامله بیزار است. بالراک بلندی با به صنایع یک ملت را ناید از روی صنعتکاران او اندازه گرفت بلکه از روی شناستندگان و حمایت کنندگان آن صنعتکاران. لازاروی تشخیص داده عیوب خیلی بهتر از دیدن هنرهاست. دبل کارنگی



تجربه نشان داده است افرادی که دارای نوع هنری فوق العاده بوده اند در ریاضیات استعداد نداشته اند هیجکس نمیتواند در هر دورسته ممتاز گردد. شوینه اور

تکامل باید هدف اولیه همه هنرمندان حقيقی باشد. بهمودون

تنها وظیفه هنرپیشه این است که روی صحنه بازی کند، بلکه باید بازندگی طبیعی و سیله انتقال افکار نویسنده به تماشاگر برسود جه خوشبختند هنر پیشگانی که بجای ایفاء نفس بازی کردن وظیفه فهماندن بمردن را انجام میدهند. لونی زوده

تنها هنرها برادر یکدیگرند، هر یک از هنرها بر هنرهای دیگر روشانی میافکند. ولتر

جه مردمان مستعدی که از نداشتن مری و مشق روح شناس عمر خود را تلف کرده و هنرهای خود را بگور برده اند. کاظم زاده ایرانشهر

تنها کسیکه هنردارد و کاری از او ساخته است میتواند بفردای خوبیش اطمینان کند. سعید تقیسی

دانشمندان ، علماء ، بزرگان ، هر کدام نوباتی برای ترقی دارند، لیکن شاعران و هنرمندان این مدارج را بروار کنند میبینند. هوگو

خدایا هنر چقدر بلند و عمر چه اندازه کوتاه است. گوته

دانش و هنر از هر اقلیمی برخیزد و متعلق به هر قومی که باشد از آن همه جهانیان است. بوشکین

در ترویج دانش و هنر، اهتمام نماند تا صاحبان استعداد از طبقات مردم ضایع نشوند.

در هنر اگر الهامات در قید قوانین باشند آناریکه زاده آن الهامات هستند ارزش هنری بخواهند داشت. کلوروپوسی

در هنر هم مانند زندگی فقط آزادی و ترقی است. بهمودون

در این دنیا پست و درمانده که کوچکترین شورو اشتیاق مواجه با حرمان میشود بگانه روزنه گزین هنر است و بس. برنوار

سادگی، صداقت و عدم تصنیع در هر اثر هنری بزرگترین اصول زیانی است. بلوک

در اعمال بزرگ ، افراد خود را آنچنان که باید باشند نشان میدهند و در اعمال کوچک آنچنان که هستند. شانفور

ست در هنر بمنزله کتاب الفیاست، اما جز این ارزشی ندارد. بالزاک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در هنر بتعویق انداختن ، تبلی ، هوسها ، اختناق ، بدخونی ، نفهمیدن ، نقص و تکرار اشتباه . تمام اینها زیانبخش است و باید از بین برود، برای نیل به مقام منافع هنریشگی باید مانند کودکان که بازی خودایام دارند بهتر خوش موضع باشد تا بواقعيت هنری برده، هنرمندی بزرگ گردد. استانیلاوسکی

زمانی دنیا بسته به هیرهای زیبا است، هیرماهه غرور و سیله تسلیت و تشیقی خاطر است. آناتول فرانس

شاعری بزرگ در کشوری غریب که زیان مردم را نداند بجه سرنوشت مبتلاست در نسل جدید، هنرمندان گروهی از شاعراند که نخواسته اند سخن گفتن بیاموزند از این رو جزی بیان نمیکنند. اکوست رودن مجسمه ساز و نقاد فرانسوی

فرصت معیود و هنر عاشوق فرصت است. مثل ایطالیانی

شاد ماندن بهنگامیکه انسان درگرودار کارملا آورد بیش از اندازه برمیتوانی است، هنر کوچکی نیست. نیجه

فقط عقیده مرد هنرمند قابل توجه است ، حتی در مورد روش و اخلاق . اسکارواولد

شنیدن خرد گریهای نامطبوع اگر بعد از تمجید مزايا و هیرهای ما باشد جان بrama گران نمیاید، همانطور که سلمانی قبل از آنکه نیغ را بکاربریدار، صورت را صابون کاری میکند. دل کارنگی

غالب اشخاص هنر را حس میکنند بعضی ها میفهمند ولی عده ای بسیار کم هم حس میکنند و هم میفهمند. هولاورد

طبیعت هنگامی زیاست که در ماهمان تأثیر هنر را نداشته باشد باین طریق زیانی چه در طبیعت و چه در هنر ممکن است بوسیله هم آهنگی و شورانگیز و مخصوصاً اتحاد درونی آن دو با هم توصیف گردد. کانت

هنر کلید فهم زندگی است . اسکارواولد

کسب هنر برهمه کس از غنی و فقیر لازم است چه بسیار فقیران نیازمند که از راه هنرمندی به مقام ثروت و بی نیازی رسیده اند و چه فرزندان اغناه که به ثروت مغدور و از صناعات و آداب محروم گشته و بروزگار مذلت و درویشی افتاده و مورد رحمت دوستان و محل شمات دشمنان شده اند. اخلاق ناصری

هدف هر اثر هنری نشان داده چند شوره اصلی و هدایت کننده است.

کسیکه با دستیش کار میکند کارگر است، کسیکه با دست و عقلش کار میکند بیشه ور است، کسیکه با دست و عقل و احساسش کار میکند هنرمند است.



هر کجا که زندگی نظاهر کند هر جند تلح باشد، حقیقت هنر در همانجاست.
داستانوسکی

کسیکه تصمیم گرفته در نقاشی وبا هنری دیگر بر همگان برتری جوید باید تمام قوای
دماغی خود را از هنگام برخاستن تا هنگام بخواب رفتن روی همان یک موضوع منمرک
سازد. آینده لوز

مايه کار و سرمایه افتخار هنرمند، اندیشه اوست. دکتر پرویز خانلری
کسیکه هنگام ظاهر شدن در صحنه ما را وادار کند که فراموش کنیم او «هنریشه»
است بهترین هنرمند است.
شارل ولدران

هر کس مرتکب اشتباهی نشده، اکتشافی هم نکرده است. گالیله
ما نسل بدینختی هستیم، به همین جهت از بیجارگی ناجاریم به کمک دروغهای هنر
خود را از واقعیتها رنگی دور نگه داریم. زیرساند
هنر تلخیهای زندگی را افزون میسازد با وجود این تلخیها زندگی را شیرین میکند.
شوین

مردم همیشه از نقاشان میخواهند که شیوه تازه ای در آثار خود بکار ببرند، با این وجود
برده های کهنه نقاشان قدیمی به قیمت بیشتری خردباری میکنند. موریس اوسریلو
نقاش فرانسوی

هنر یکرشته مطالعه و تحقیق بی پایان است. شومان
مرد آزاده بروden هنرهای عالی را اساس مصاحبت با دوستان خود قرار میدهد و
بوسیله مصاحبت با دوستان خود ، فضایل اخلاق را در نفس خوبیش بکمال میرساند.
کنفوتسیوس

مسکن درکوی هنرمندان حقیقی وجود دارد که هیچکدام بدنیاروی خوش نشان
نمیدهند. بنهودون

من میتوانم ادعا کنم که در هنر، تحمل بار مقدرات ، اعم از شادی و تعب، آنقدر مسلط
شده ام که مصائب در نهاد من ، وجود و نشاطی ایجاد میکنکه فرین سعادت
است. کلر

هنرو دانش برگزیده ترین و بزرگوارترین مردم را بهم مربوط میسازد. بنهودون
نمیدانم جه سری بین هنرمندان حقیقی وجوددارد که هیچکدام بدنیاری خوش نشان
نمیدهند. بنهودون

هنر در طبیعت نهفته است و متعلق به کسیست که آنرا از طبیعت استخراج کند. دورر



وقتی از میکل آنز «سؤال شد؛ چرا نا بحال ازدواج نکرده ای ؟ بدون تأمل جواب داد؛ من با هنر خود ازدواج کرده ام و آناری که از خود بحای میگذارم در حکم فرزندان من هستند. ...

وقتی احساسات ما بوسیله هنرهای زیبا تحریک میشود این تحریک حس ما را در مقابل چیزهای لغو منحوس زندگانی نیروی مقاومت میدهد. بل والری

هنر من باید برای سعادت بیجارگان اختصاص باید. بنهون

هشتصد میلیون تخته سنگ عظیم رافرعنه برروی اسیران خود بفاصله هزار کیلومتر عبور دادند تا اهرام مصر شاهکار همیشه جاودان خود را بسازند. تاریخ مصر

هنر دشمنی دارد ، به نام جهالت . بن جانسن

هنریش باید هنر خود را آشکار و خود را بنهان کند این است هدف هنر. اسکارواولد هنرازاحتیاج زاده میشود واز ثروت میمیرد.

هنر زانیده دوستی این سه چیز است، استعداد، استاد خوب و پشتکار. تن هنریش آفریننده زیبایی است . اسکارواولد

هنرور باید برای عده ای بیشمار مفید باشد نه برای عده ای محدود. تالمن هنر زیور بشر است و بشر زیور کوهان. ناصرخسرو

هنرمند، هنریش از بخارتر لذت جامعه دوست دارد، نه به خاطر سود و نفعی که از آن میمیرد.

هنرمند عاشق طبیعت است و بهمین جهت هم برد و هم اریاب آن است. ناگور هنر محصول تحریک احساساتو هدف آن نیز انتقال احوال نفسانی و عواطف انسانی است. تولستیو

هنر قدرت و توانانی نیست ، بلکه تسلی خاطر است. توماس مان

هنر خوب است اگر احساسات خوب را ترویج کند احساسات هنگامی خوبند که شعور ممیز نیک و بدیخوبی آنها حکم دهد و این شعور در میان مردم یک عصر مشترک است، هنر جهانی یک محک درونی دارد با برجا و بیخطا: یعنی همان وحدان یاک. تولستیو

هنرمند متعلق به آثارش میباشد و آثارش متعلق بدیگران. هارون برگسن



هنرمند با شناختن آنچه کرده اند میفهمد که چه باید کرد؟ یعنی مالک فرهنگ و
دستور کار پیشینان خود میگردد.
گابریل سدالی

هنر دعویست بسوی سعادت .شبیلستر

هنر نوعی رستگاریست ، ما را از خواستن یعنی دردو رنج آزادی میبخشد تصاویر
زندگانی را دلربانی میدهد.شونهار

هر کس هنریازی کردن با احساسات مردم را بداند آقای مردم میشود.مثل اسکاندنبیاوی
هیچ گنجی به از هنر نیست و هیچ هنری بزرگوارتر از دانش نیست و هیچ برابر ای
بهتر از شرم نیست و هیچ دشمنی بدتر از خوی بد نیست.سفراط
یک هنردوست ممکن است هنرمندنشود، ولی یک هنرمند محققآ باید هنردوست
باشد. دیررانیلی

یکروز بدون درک زیبیهای هنر زیستن مانند چندین روز باغم بسربریدن است. برایور
یک عکس ارزش ده هزار کلمه را دارد. مثل چینی

فداکاری

آن کس که از اول می داند به کجا می رود خیلی دور نخواهد رفت. نابلنون
اسارت و بندگی مردم بخود ایشان و به انداره تحمل رنج و قبول فداکاری ایشان بستگی
دارد. گاندی

اقدار عالی وی تمجید انسان فقط در فداکاری است فداکاری شرط اساسی هر
بزرگی است. وہ یہ

آن کس که از اول می داند به کجا می رود خیلی دور نخواهد رفت. نابلنون
برای فداکاری وسائل واسیاب لزومی ندارد هیچ جمعیت از خود گذشته را نمی توان
مضمحل نمود .
نابلنون



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تو می کوشی که آسوده تر باشی ، من می کوشم که دیگران آسوده تر از من باشند.
سعید نفیسی

هر کجا می روی با تمام قلب برو .

هرچه به فدایکاری و مهربانی خوب گیریم کاملتر و خوشبخت تر خواهیم شد چراکه هیچ
حالی به اندازه جوانمردی و مهربانی پسلا متنی ما کمک نمی کند.کایپرل

فداکاری بدون امیدواری منتهی درجه فضیلت انسانی است. لوفری

سریازی یعنی فداکاری وسیع معنی دیگری ندارد.

دست یاری دادن بین از دوین ما را گرم می کند. هود

خود را قربانی کنیم بهتر است که دیگران را. گاندی

حسن مهارت هر کب از فداکاری ها و گذشتهای کوچک است. امرسون

هدف

به طرف یک هدف هدفگیری کن. مثل شرقی

اگریدانیم کجا هستیم، کجا می رویم و به چه وسیله می رویم یکی از مشکلات خود
واجتماع برطرف می شود.
لیکلن

تنها گنجی که جستجوکردن آن به زحمتیش می ارزد هدف است. خلوتی استونس
انسانی که معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها بالافراد ملت خویش برای خواهد
دانست بلکه با تمام اینای اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد. تولستوی
زندگی بدون هدف چرخ زندگی را بدست قضاوقدر سپرید است. سه نک

جاه طلبی مهمیزی است که آدمی را به کشمکش با سرنوشت بر می انگیرد
ومحرکی است که هدف را بزرگ و پیشرفت را بزرگتر میسازد. مجل
مارزه با مشکلات ما را به هدف نزدیک میسازد و نمی گذارد که افراد سرسری
و سطحی باشند. ارنست همنگوی

مارزه برای بدست آوردن بیرونی بمراتب زیاتر از خود بیرونی است. طی مسافت
لذتیخشن تر از رسیدن به هدف است وقتی بیرون میشوی یا هدف میرسی تاره میفهمی
که داری در گودالی بر از خالی دست و با میرنی.



هدف خود را باید روی واقعیات بنا سازیم. امرسون
معنی حیات را در زیانی و در قدرت باید جتسحو کرده لحظه از زندگی ما باید هدف
عالیتری داشته باشد. ماکسیم گوکی

و جدان

آنکه از عقل و وجدان خود اطاعت میکند کمتر باطاعت دیگران مجبود خواهد شد.
محمد حجازی

اساس تمدن بروی علم و وجدان گذاشته شده بدون علم حیات مادی دشوار بلکه
محال میشود و همچنین بدون وجدان زندگی قابل تحمل نیست بنابراین علم از
ضروریات حیات جسمانی و وجدان از ضروریات حیات روحانی است.

اولین تکلیف آدمی حمایت از ضعفاو جریحه دار نکردن یک وجدان پسری است. گاندی
ای وجدان بدکاریهای ما همه از چشم بوشی و گذشتگان بی جای نیست. محمد
حجازی

ای وجدان تو باعث عظمت وجود انسان و اخلاقی بودن کارهای او هستی و بدون تو
من جیزی در وجود خود احساس نمیکنم که مرا در جهانی برتر از حیوانات فرار دهد.
زان زاک روسو

اگر وجدان باک داری پس جرا غصه میخوردی؟ توکه جیزی کسر نداری . مثل هلنندی
بدون آزادی وجدان هیچ آزادی نمیتواند وجود داشته باشد همه آزادیهای دیگر از روی
تکامل طبیعی از وجدان زانیده میشود. کریستان بدتن
بنیاد حیات ما بر پایه های وجدان و عقل است نه بر غریزیه و هوس . مونتن
باید در کارها وجدان خود را راهنمای قرار داد و همانرا که وجدان بمانشان میدهد بپیش
گرفت. امرسون

جهنم واقعی وجدان مخرب است. مثل آلمانی
برای تحصیل سعادت روی کرده خاکی فقط یک راه وجود دارد و آن این است که
وجدانی باک و روشن داشته باشیم و با اصلًا وجدان نداشته باشیم. اگون ناس
جه بخواهیم وجه نخواهیم وجدان برما غلبه داردیا بر ضد ما ، یا به نفع ما. لامارتین

حسن وحدان آن قوه فضوات اخلاقی است که خود خویشتن را محاکمه میکند. کانت

حسن وحدان بزرگترین فیلسوف است. زان زاک روسو

حسن وحدان سرجشمه مکارم اخلاق و برده دار حريم عنایت است. کاظم زاده ابرانشهر

حقیقت، حرث، آزادی عبارتست از مسئولیت شخصی در پیشگاه وحوان و قلب.
برناردن روشن بیر

حقیقت این است ه پیش از آنکه آدمی مالک وحدان باشد و جان مالک آدمی است.
دورن

دانش دون وحدان جز ویرانی نیست. رابله

دانای بی وحدان هیچگاه صاحب روحی باک نخواهد بود. رابله

در زندان بسربردن با بک وحدان باک و فکر راحت بهتر از بسربردن رد باشکوهترین بناها
در تشویش و دغدغه است.
ابوالعلا

در سینه ما خداني است که وحدان نام دارد. منادر

در بک کشور اداره کردن هیچیک، از طبقات مردم مشکل تر از اداره کردن اشخاص که
دارای حصن تیت هستند ولی بیوسته وحدان خود را گول میزنند نیست. نایلون

در عالم دوجیر است که از همه زیباتر آسمانی برستاره وحدانی آسوده. کانت

در این ظلمات هول انگیز دنیا وحدان برای ما نه فقط راهنمای خوبیست بلکه شاهدی
است عادل و باوفا که اعمال ما را می بیند و مطابق آن گواهی میدهد. لرد اویوری

در سینه خود شراره آسمانی دارم که نامش وحدان است. شکسپیر

رضایت وحدان فقط بعد از انجام وظیفه حاصل میشود و بدون هدایت و راهنمایی
وحدان افکار بزرگ و عالی تنها بمنابع نوری هستند که موجب گمراهی انسان
میگردند. اسمایبلز

در مسائل اعتقاد و دیانت باید هر شخص عاقل و بالغ حکم وحدان خود را بیروزی
نماید. مانینگ

صدق و ایمان بحقیقت را منظور و مقصد اساسی زندگی خود قرار دادن و تکالیف را
از روی وحدان بجا آوردن طبیعت مرد را بلندتر و کاملتر میسازد بکی را دوست داشتن
حیات او را آیرو کردن و دیگری را دشمن و مرگ او را خواستن بناجار طبیعت آدمی را
تاریک میسازد. کنفوتسیوس



رضایت وحدان بالاترین مرتبه هاست. زول سیمون

سرزنش وحدان محارات گناهان ماست و پشیمانی جرمیه ای است که برای آن
میدهیم. لرد آدیبوری

عده ای معتقدند که چون فکر مکنند بنابراین صاب وحدان و فکر منطقی هستند. مادام
استاھل

قبل از ارتکاب جنایت و انجام اعمال نامشروع ، ندانی در اعماق تاریکی هستی فرباد
میزند که این کار موافق اخلاق نیست و آن نداندای وحدان است.

کسی که وحدانش ناراحت و روحش آزادی نیاشد، هیجوقت روی اُسایش نمی بیند
جانجه روشفوکولد گوید: کسی که در باطن خود اُسایش ندارد و بهبوده آن را در خارج
جستجو میکند. لرد آویبوری

عذاب وحدان بدتر از مرگ در بیان سوزان است. هوگو

کسی که در هر امری از وحدان خود تعییت میکند خسته نشده و از زندگی ملول و از
روزگار متالم نمیشود. بیگن

فرمانروانی من پایان میگیرد از جایکه سلطنت وحدان آغاز میگردد. تابلوں
فاندی که بر مجموعه قوا شما حکومت تواند کرد. وحدان اخلاقی شما خواهد بود.
بوشه والتری

کسیکه وحدانش پاک باشد زودخوابش میبرد . مثل امریکانی
کسانیکه وحدان های آسوده دارند، سیاپ ایشان دریای آرامی است که حتی موجب
بیری نمیتواند آنرا بحرکت درآورد. سعید نفیسی

کسیکه وحدانش پاک باشد همیشه شادمان است. مثل جینی
کسیکه وحدانش را برای کسب شهرت فدا میکند ، تابلوی نقاشی را برای تحصیل
حاکستر سوزانیده است. مثل جینی

کسیکه شرم ندارد وحدان هم ندارد . مثل امریکانی
ممکن است گناهی بکنیم و جامعه از سر تقصیر ما بگذرد، اما سلسله اعصاب ما
دست از سرمان بر نمیدارند. جمس ماریون
مذهب هر فردی را باید به ایمان و وحدان او واگذار کد. جمس ماریون



من عدالت مطلق را توجه به وجدان میدامم صدای وجدان که در تنهائی بگوش آدمی میرسد، وظیفه دائمی ما را با سایرین تعیین میکند و طرز رفتار ما را درباره اشخاص و اشیاء وامکنیه در هر حال به ما میاموزد. مترابینگ

مردم با اخلاق معمولاً دارای وحدانی با کند. اسمایلز

من مایلم امور دولت را بینخوی اداره کنم که در پایان فرمانروانی دولتم ، اگر همه دولستان خودار در آن زمان از دست بدhem افلا بکی از دولستانم باقی بماند و آن وجدان و قلب من است.ابراهام لینکلن

ممکن است گناهی بکنیم و جامعه از سرتقصیر ما بگذرد، اما سلسله اعصاب ما دست از سرمان برنمیدارند.
جمس ماریون

وحدان نیکوتین لطیفه است که رهبری میکند ما را بخوبی ها و کردار و گفتار ما را همه گاه بدبده قضاوت نگریسته و بر همگان لازم است که بپروری از فرمانش کنند.

ندای وجدان را در همه حال از خود دور نسازید . ناپلئون

وحدان لطیف نعمتی است گرانها، یک جنین وجدان نه تنها آنجه را که شراست تشخیص میدهد بلکه فوراً آن را دور میکند و همچون مزگان چشم است که ناگهان راه را بر غبار خاشاک می بندد. ن - ل- مشکن

وحدان، وجدان ، ای وفادارترین دوست آدمی . کروب

وحدان هرگز ما را نمی فرسد بلکه راهنمای حقیقی ماست او راهنمای روح است
جنانجه غرایز راهنمای حسمند.

وحدان نماینده پاکدامنی و عفت و صداقت است . الکساندر روما

وحدان صدای خداویدی است که از دل انسان خارج میشود. لامارتین

وحدان همواره حقیقت را خلق میکند.کی ارلکار

وحدان مانند آینه است که نه تملق میکند نه تحفیر مینماید. ژرژ واشنگتن

وحدان نماینده تقوی و پاکدامنی عفت و صداقت است.الکساندر دوما

وحداتنان را نه محبور کنید که آنجه را می بیند ندیده بگیرد و نه آنجه را که با محکوم شود تبرنیه کند.کوکرل

وحدان تحضن گاه غیرقابل تعرض آزادی انسان است. ناپلئون



همانطور که در هنگام راه رفتن دقت میکنی بیش خاری به بایت فرو نرود در تمام اعمال و افعال مراقب باش که وحدان خود را نیازاری . اگر واقعاً جنطن رفتار کنی هرگز کار ناشایست از تو ظاهر نخواهد شد. گویو

وحدان بمنزله ستاره قطبی است گمشده‌گان راه زندگی را نجات می‌دهد. غ - د

هنگامیکه وحدانت ترا منهم میکند محکوم میکند ومحازات میکند، همه عالم نه مینتوانند و نه حق دارند ترا بیخشند. کولارال

هیچ آدمی گنهکاری درقبال دادگاه وحدان خوبیش برانت حاصل نمیکند.

وحدان محکمه است که درآن به وکیل دادگستری احتیاج نیست. مثل انگلیسی یک وحدان خوب به هزار شمشیر مبارزد. نایلون

وحدان اگر رخصی شد خوب شدنی نیست. مثل چینی

وحدان بد آدمی را ترسو میکند. مثل آفریقانی

هر کجا میخواهی برو آنجا هم وحدانت را می بینی . دیدرو

وحدان پاک ترمز زبان است. مثل فرانسوی

همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم محکمه وحدان تسلیم کنید وحدان راهنمای بی نظر و قاضی بی طرفی است. متنسکیو

عفو - بخاشایش

از یک حرف گذشتن گاهی بهمان اندازه فداکاریست که سینه بیش گلوه سپر کردن حجازی.

از صاحبدلی پرسیدند که سخاوت بهتر است یا شجاعت گفت آنرا که سخاوت است حاجت به شجاعت نیست. سعدی

از افلاطون پرسیدند بجه وسیله می توان از دشمن انتقام گرفت گفت بفضل وکرم. افلاطون

اسخاصلیکه نمی توانند دیگران را بیخشند بلهایراکه بایدار آن عبور کنند خراب می کنند. اسینسر



از واجحات کرم پذیرفتن و بخشودن عذر گناهان است. وشمگیر
اعمام نشانه بلندی فکر و انتقام نماینده رذالت و معرف کوچکی فکر مردان است.
سقراط

ارمغان مورجه پای ملح است. مثل فارسی
اگر می خواهی بهترین خلق باشی چیزی از خلق دریغ ندار.
انتقام از جنایت فبیح تر است زیرا آن بدون مقدمه صورت می گیرد و این با تفکر و تعقل
آن.

اقرار به خطا نیمی از بخشودگی است. مثل فرانسوی
قصد بدی ندارند و بدان را برای اینکه بد بخت و بیجارة اند. سنتگا
بهترین انتقامها فراموشی و بخشناس است. جونس
بیگمان کینه را بمهر و دوستی می توان زدود. نه با کینه و دشمنی. بودانی
ترجم احساسی که همیشه تحملیش از هر احساس دیگری برایم دشوارتر بوده است.
بر لیور

عفو از کسانی نیکوست که توانانی انتقام دارند. بوذر جمهور
عفو کردن خطا، انتقام ملایمی است. دبل کارنگی
خشم را با مهربانی قرو بنشاییم، بدی را با خوبی، ازار را با بخشناس، دروغ را با
راسنی. بودانی

عفو در قدرت نشانه دلیری است. بوعلی سینا
زن نه فقط سخاوت را در مرد بیشتر از فداکاری دوست می دارد بلکه بیشتر از هر
صفتی دوست می دارد.

سخن عزیز است اگر چه فقیر باشد. ارسسطو
یک بوسه کافی است که طهارت گناهی محسوب شود. بالراک
هر کس گذشتیش بیشتر است غنی تر است. زرزاپیون
یک بوسه کافی است که طهارت گناهی محسوب شود. بالراک

هر که در زندگی ناش نخورند چون بمیرد نامش نبرند. سعدی
 هر کس گذشتیش بیشتر است غنی تر است. رز سیون
 ما باید از بدی کردن بیشتر بترسیم تا بدی دیدن. ابوالعلا
 شر را با شر از بین نتوان برد. مثل لاتین
 عفو کردن خطای انتقام ملایمی است. کارنگی
 ارمغان مورجه پای ملح است. مثل فارسی

مرگ

آخرین نوشته قبل از مرگ آندره شینه شاعر و رمان نویس فرانسه :

بگذار هر چه زودتر مرگ فرارسد. زیرا که از زندگی خسنه شده ام ، آخر به چه جیز
 این زندگی دل خوش کنم. کدام صفا و بگرنگی ، کدام بایداری مردانه، کدام شرافت
 و باکدامنی ، کدام قدس و تقوانیکه داد جوان در بی آند کدام سایه خوشبختی .
 کدام اشک مودت. کدام خاطره نیکهای گذشته . کدام اثر دوستی ، این جهان را آن
 ارزش میدهد، که ترکیش ملالی بدینال داشته باشد. همه جا ترس، فرمانروانی و
 خداني میکند همه جا پستی و درونی حکم فرماست همه جا ، همه بجز مردمی
 بست و دور نیستیم. خدا حافظ ای دنیا ، خدا حافظ . آندره شینه
 آرزو دارم که تا آخرین رمق وجود من ثمر بخش باشد و هنگامی بمیرم که از من هیچ
 خدمتی ساخته نیاشد. برنارد شاو
 آدمی جز باندکی آونهم برای مدتی کوتاه نیاز ندارند. چه زود بایستی از تن خاک خود
 که طبیعت ممسک برای ساعتی با و عاریت داده است صرفنظر کند. بانگ
 آنجه باعث آزار ما میشود زندگی است و یک بیمار همینکه مرد تمام آلام او از بین
 میرود. مترلینگ
 آرزوی تجدید حیات آدمی یک آرزوی ابلهانه است زیرا بوجود آمدن انسان طک اشتباه و
 یک حادثه غم انگیز است که بهتر است اساساً تجدید نشود. شوینهاور
 آنجه ما بنام مرگ میخواهیم یک زندگی است که هنوز نتوانسته ایم جگونگی آنرا
 بفهمیم. مترلینگ



آنچه بهنگام مرگ براندوه میافزاید بی هنر فرزند و کارهای بیهوده و ناپسند اوست و هر آنچه از غم میکاید، هنرمندی و اندوخته داشتن کردار نیک و پسندیده اش میباشد.

آخرین عضوی که در وجود یک رن میمیرد زبان او است. مثل هندی آنها که خودکشی میکنند برای اینست که محبوتر شوند و دلها را بسوزانند غافل از اینکه برای محظوظ شدن ، وسائل بهتری داریم. حجازی

لذت

کسیکه از مشاهده کارهای نیک دیگران لذت نمیرد از انجام کارهای نیک واقعی ناتوان است. لاواتر

ابله بدنبال لذات موهم میکرددو جز پاس و نالمیدی نتیجه دیگری در راه خود مشاهده نمی کند ولی عاقل میکوشند تا سر حد امکان خویشتن را از مشقات و مصائب زندگانی برکنار دارد.

از زندگی خود لذت ببرید بدون آنکه آنرا با زندگی دیگران مقایسه کنید. کندورسه ارگلستان روزگارگلی باید جيد که خارش بدبست تخلد و از بیمانه عمر باده ای باید بتوشید که پس از شب مستی خمار صبحش جان را نیازارد. آ.س. ماردن برای تولد و مرگ چاره ای نیست پس بهتر است از زمان حد فاصل اکثر لذت را بپریم. جرح سانتایان

اگردراین جهان از دست وزیان مردم آسوده پاشیم برگ اشجاروزمزمه آبشار و حریان جویبار هریک بزیان دیگری با ما سخن خواهند گفت. شکسمیر

دوماً لذت موجب کاهش قدر آن و نقصان لذت موجب افزایش اهمیت آن است. رانه تمام حیوانات باستثناء انسان باین حقیقت وافقند که هدف اصلی در زندگی لذت بردن از آنست. سموئل باتلو

خدمت بخلق وظیفه نیست بلکه لذتی است زیرا سلامتی و شادمانی شخص را زیاد میکند.

خواهش نفع و طبع سکرش ما را بدنبال لذت آنی میکند لیکن عقل برخلاف غالباً مار از طی این طریق نهی میکند و باموری شریفتر میخواند هیچکس نباید رد بی لذتی رود که الم ناشی از آن کما و کیفا بر آن لذت بجرید. محمد زکریای رازی

کسی که یک لذت همیشگی را بلذت آنی و کوتاه بفروشد بسیار زیانکار است. فخر رازی



انسان بوسیله برآوردن تمایلات خود نمیتواند به لذت و شادکامی برسد بلکه در صورتی میتواند با ان سرچشمه راه یابد که با برسر این تمایلات بگذارد. آندره زید

کسی میتواند ارزندگی کاملاً برخوردار باشد که بداند میتواند از لذت کامل‌الجسم بیوشد. ایسین

این لذتهاي آنی موقت پررقی است خطرناک که در طلماں حیات میدرخشد و حلوه آن دیده عاقلان را خیده میکند ولی خبلی زود شعله آن خرم من سعادت و اقبال راسوزانیده مشت ی بیجان را ببروی توده های خاکستر آن بحسرت و ناکامی مینشاند. لرد اویوری

براپتولد و مرگ چاره ای نیست پس بهتر است از زمان حد فاصل اکثر لذت را بیریم. حرج سانتایان

برای خوشی و لذتهاي بزرگ باید ناراحتهاي بزرگتری را تحمل کرده با استقبال آنها بردیم. غ - ذ

چقدر لذت بخش است که آدم سنگینی بار خودش را روی دوش دیگران نگذارد. غ - ذ
بشر برای لذت بردن بدینا آمده زیرا همانقدرکه بتواند احساس لذت کند کافی است و تیاری بدلیل دیگر ندارد. باسکال

لذتی که انفرادی حاصل میشود بی آلایش است. افلاطون
خواهش نفس وطبع سرکش ما را بدنبال لذات آنی میکشد لیکن عقل برخلاف غالباً مارالا طی این طریق نهی میکند و با موری شریقت میخواهد.

خردهمند دنبال خوشی و لذت نمیرود . بلکه میکوشد از درد و اضطراب رهانی باید. شوینهار

در زندگی فقط دو چیز هدف انسان است اول نامین آنجه که میخواهد دوم نمتع از آن فقط عاقلترین افراد نوع بشر بانجام دومی موفق میشوند. دیل کارنکی

در لذتی که آمیخته به قیاحت بود. خوشحال نیاشید و تفکر کنید که لذت نمیماند و قیاحت میماند. سقراط

لذتهاي جسماني در اول کرا به ما لبخند میزند ولی عاقبت نیش زهرآلود خود را در روح ما فرو برد و هلاکمان میکند . توماس

کسی میتواند از زندگی کاملاً برخوردار باشد که بداند میتواند از لذت کامل‌الجسم بیوشد. ایسین



لذت عبارت از آن خوشحالی است که در حصول یک آرزو بانسان دست میدهد و جوں آمال انسانی را نهایت نیست حظوط و لذاید را هم کرانه ای پیدا نمیشود. کاظم زاده ابرانشه

کسیکه میخواهد خوبیشتن را موصیتیها برهاند باید در تجسس لذات موهم نباشد
جهه اگر باشد همچون نایابیانی است که راه را از جاه تشخیص نمهدید. گوی

لذت دنیا در خرج کردن است نه در جمیع کردن و ثروتمند واقعی کسی است که خرج میکند نه کسیکه روی هم میگذارد. **جمالزاده**

لذی که از علم حاصل میشود بی آلایش است. افلاطون

منست باش و مخربوش ، گرم باش و مجوش ، شکسته باش و خاموش که به سوی درست را دست بدهست برند و شکسته را بدoush نجات خواهی به تسلی شو. بفاطلی از بی فناشو. خواجه عبدالله انصاری

لذت را در عمق هر چیز میتوان یافت اما نصب کسی است که آن را بیرون بیاورد.

مرد خردمند اتفاقاتی را که از نظر افراد عادی مصیب جلوه میکند و سیله کامیابی و لذت خوبیش قرار میدهد. متلبیگ

لذت انفرادی بسرعت بیمزه و هلال انگز نا مایه رنچ میشود. شارب

لذت جوانی درنافرمانی است اما مشکل اینست که دیگر امرو فرمانی وجود ندارد. زان کوکتو

میوه ای که در دسترس ماست از میوه ای که بالای شاخه درخت است لذت‌بردار میباشد ولی از این جهت میوه بالای درخت در نظرمان جلوه میکند که دستمنان بآن نصب‌سند و لتو

وحدان همراه انداره لذت بخش است که باک است. بولن

نایاب فراموش کنیم که مسرات و لذات زندگی و مفت و رایگان نیست و غالباً در مقابل آن رنج و محنتهای را تحمل میکنیم. بهمین دلیل مصائب و سختیهای مایه نتیجه نمی‌ماند و به پاداش آن سعادتی خواهیم داشت. شکایت و ناله مصیبت ما را رفع نمیکند بس جرا بیوهوده خود را رنج میدهیم و رحمت شکایت بجها را تحمل میکنیم. اگر مصائب روزگار را با مناعت و متنانت و شجاعت استقبال کنیم بسعادت منتهی شود همیشه عادت کنیم که خوبیها را بسیند و از بدیها جسم بپوشید شهد را بنوشید و شربگ راندیده بندراید. لره اوسوری

هدف و آرزوهای ما باید بکار اندختن رنگی باشد. نه لذت پردن از رنگی . مکدف

بهترین لذت‌ها کار و فعالیت است بشرط آنکه هدفی هم در نظر باشد. در این صورت کار جز و زندگی خواهد شد. ^۴



هر کس باید مطابق لیاقت و ارزش اجتماعی از زندگی برخوردار شود. غ - د

هر عیش و لذتی را که در دنیا بینظر بیاورید دارای رنج و رحمت است و اگر فورا برای مانولید رحمت نکنند در آینده اسیاب درد سر خواهد شد و فقط دو لذت است که هرگز نتیجه ناگوار و در دو رنج و پیشمانی در بی تدارد و این دو لذت عبارتند از : اول لذت نیکی کردن بمردم . دوم لذت انعام وظیفته زیرا خوشی فراوانی را بعد از احساس میکنیم، روسو

بکی از ناشناخته ترین لذتها در زندگی حرف زدن ناخوبیشتن است. فرانسیس روواتر همیشه کوناه ترین لذت شیرینترین لذتهاست.
میوه کار ، شیرینترین لذات است.

موضوعات مختلف

نگذاریم تقویم وساعت ، این حقیقت را یادمان ببرد که لحظه لحظه زندگی ، یک معجزه است و در پس آن ، حقیقی . اح - جی - ولز

عشق ، عشق می آفریند . عشق ، زندگی می بخشد . زندگی ، رنج به همراه دارد .
رنج ، دلشوره می آفریند . دلشوره ، جرات می بخشد . جرات ، اعتماد می اورد .
اعتماد ، امید می آفریند . امید ، زندگی میبخشد . زندگی ، عشق به همراه دارد .
عشق ، عشق می آفریند ...
مارکوس بیکل

برای گسترش "طول" زندگی کاری از تو ساخته نیست . پس تا می توانی برای گسترش "عرض و ارتفاع" آن تلاش کن .
بالراک

چه بسا اشخاصی که تنها با طین کلنگ گورکن از خواب غفلت بیدار می شوند .
تاپلنوں بنایارت

اگر موفقیت را در زندگی A فرض کنیم ، A برابر است با X به علاوه Y به علاوه Z . و در این معادله X یعنی وظایف ، Y یعنی تفریح و Z یعنی عبادت و حاموشی .
البرت اشتتن

هرگز جیزی را آنقدر دوست نداشته باش که نتوانی مردنش را بینی
این حمله به نهل از بکی از اعصاب پی سی سو با آئی دی شوكولات است.

دانش انسان را از بلاها حفظ می کند . غرزالحکم و دررالکلم

انسان! خودت به باری خود برخیز! بتهوون

راهی که هزار کیلومتر باشد قدم به قدم بموده می شود . مثل زایدی

باید بخواهیم تا بتوانیم! رنه دکارت

فصیح ترین زبان عمل است. شکسپیر

انسان بدرستی همان میشود که به آن فکر میکند . ارل نایتنگل

ما آن چیزی هستیم که می اندیشیم هستی ما با افکارمان بلندی می گیرد دنیامان
با اندیشه همان ساخته می شود . بودا

حقیقتی از این سراغ ندارم که انسان می تواند با تلاش زندگی خود را متعالی سازد
تورو تو

شیج چیز عوض نمی شود ! شما دیدنات را عوض کنید رمز کار این است .
کارلوس کاستانادا

انسان همان چیزی است که باور دارد . آنتوان چخوف

در هر کجا که هستید و با هر چه که در اختیار دارید کاری بکنید . تنو دور وزد
خدرا را شکر کنید که نعمات و موهبت هایش به علت بیش محدود ما متوقف نمی
شود . کاترین پندر

پکوش تا در مورد هر چیزی، چیزی بیاموزی و در مورد يك چیز همه چیز را بیاموزی.(تامی هاکسلی)

نا وقتی که به قدرت نرسیده ای مطبع باش و چون به آن رسیدی متواضع
(آناتول فرانس)

رنج بردن بیش از مردن جرات و حسارت می خواهد. (نایلنون)

آدم تنها مخلوقی است که نمی خواهد همان باشد که هست ! (کامو)

گلچینی از ضرب المثل های جهان :

حقیقت و گل سرخ هر دو خار دارند . (اسپانیابی)
اریاب خشم خود شو . (یونانی)

حسود به طرف دیگران تبر می افکند ولی خود را زخمی می سازد . (سوئدی)

فکر کردن صحبت با خودمان است . (بریلی)

با قرض اگر داماد شدی ، با خنده خدا حافظتی کن . (المانی)

تا زمانی که شیر تازه گیر میاد چرا گاو بگیریم. (ضرب المثل آلمانی)



حملات زیر مربوط به زندگی از دوست خوبم در pcseven با آی دی siavash084 است.

زندگی

زندگی تر شدن بیدری , زندگی آبتنی کردن در حوضجه، اکنون است
(سهراب سپهری)

آی آدمها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان
(نیما یوشیج)

هیچ صدای در حی حقیری که به گودالی می‌ریزد مرواریدی صید نخواهد کرد
(فروغ فرخزاد)

اکنون نهال گردو آن قدر قد کشیده که دیوار را برای برگهای جوانش معنی می‌کند
(فروغ فرخزاد)

جرح بد گاری در حسرت و اماندن اسب ، اسب در حسرت خوابیدن گاری‌چی ، مرد
گاری‌چی در حسرت مرگ
(سهراب سپهری)

هر کسی که راه می‌برود می‌تواند کم بشود
(فاوست گونه)

جه عمری گذشت تا باورمان شد آنجه که باد برد ما بودیم
(به نقل از ویلاگ گروه روزهای)

زندگانی جیست مردن بیش دوست کاین گروه زندگان دلمده اند
(به نقل از ویلاگ گروه روزهای)

من زندگیمو هر چند که هیچ ندارم ولی دوست دارم بس خرابش نکن
(به نقل از ویلاگ گروه روزهای)

زندگی مثل یک گلدان حالیست مثل هر گلدان حالی می‌تواند همچنان حالی بماند
(به نقل از ویلاگ گروه روزهای)

درازادی و استقلال

- ۱- اولین لازمه شرافت یک ملت استقلال است.
- ۲- استقلال ملت ها را فقط با فضایل و اخلاق عالیه میتوان محفوظ داشت.
- ۳- حافظ نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست.
- ۴- هر گاه میخواهید آزاد باشد باید پرسش حقیقت را بیشه خود سازید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- ۵- بدون حقیقت آزادی ، آزادی میسر نیست .
۶- بک ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد.

خیالتان لبریز
خوابهایتان رنگمن
آرزوهایتان دورادور
و پیروزیتان نزدیک باد